

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

می گویند...؟ می گوئیم...!

مؤلف:

سید حسن موسوی خراسانی

فهرست مطالب:

- مقدمه:..... ۱۷
- سؤال ۱..... ۱۹
- می گویند: شیعه معتقد است که علاقه به علی کافی است،..... ۱۹
- هر چه گناه کنی با حبّ علی (علیه السلام) عذاب نمی شوی؟!..... ۱۹
- سؤال ۲..... ۲۰
- می گویند: شیعه معتقد است که امام زمان (علیه السلام) به علّت ترس از کشته شدن
از مخفیگاه خود پنهان شده است؟!..... ۲۰
- سؤال ۳..... ۲۱
- می گویند: شیعه سخنان امامان را همچون پیامبران معتبر می دانند..... ۲۱
- سؤال ۴..... ۲۲
- می گویند: مگر علی (علیه السلام) معصوم نیست، پس چرا «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي» می گوید؟
..... ۲۲
- سؤال ۵..... ۲۳
- می گویند: دین در زمان پیامبر ﷺ کامل شد و مذهب شیعه بعداً پدید آمد
چرا؟ و چه نیازی بود؟..... ۲۳
- سؤال ۶..... ۲۴
- می گویند: لباس سیاه پوشیدن مکروه است شیعه چرا سیاه می پوشد؟..... ۲۴
- سؤال ۷..... ۲۵
- می گویند: مگر علی (علیه السلام) بزرگتر از حسین (علیه السلام) نیست..... ۲۵
- چرا برای علی (علیه السلام) سینه نمیزنید؟..... ۲۵

- سؤال ۸..... ۲۶.....
می گویند: شیعه ولایت علی (علیه السلام) را رکن می داند پس چرا این رکن مانند
نماز در قرآن نیست؟..... ۲۶.....
- سؤال ۹..... ۲۷.....
می گویند: شیعه ناسزای به خلفا را عبادت می داند..... ۲۷.....
در حال که ما نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) توهین نمی کنیم!!..... ۲۷.....
- سؤال ۱۰..... ۲۸.....
می گویند: زمانی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) قلم و دوات خواست تا چیزی بنویسد
خلیفه دوم مخالفت کرد چرا حضرت علی (علیه السلام) که شجاع بود دفاع نکرد؟!
..... ۲۸.....
- سؤال ۱۱..... ۲۹.....
می گویند: کتاب کافی تفسیر قرآن است و روایات ضعیفی دارد؟!..... ۲۹.....
- سؤال ۱۲..... ۳۰.....
می گویند: علی (علیه السلام) اگر خلیفه الهی است نمیتواند خلافت را به غیر بسپارد
چرا گفت: فَأَلْتَمِسُوا غَيْرِي؛ به سراغ غیر من بروید؟!..... ۳۰.....
- سؤال ۱۳..... ۳۱.....
می گویند: چرا اهل بیت (علیهم السلام) با خانواده اصحاب ازدواج می کردند؟..... ۳۱.....
- سؤال ۱۴..... ۳۲.....
می گویند: ائمه (علیهم السلام) که علم غیب داشتند چرا زهر نوشیدند؟..... ۳۲.....
- سؤال ۱۵..... ۳۳.....
می گویند: توسل شرک به خداوند است..... ۳۳.....
- سؤال ۱۶..... ۳۵.....

- می‌گویند: در مصیبت باید صبر کرد چرا شیعیان سینه می‌زنند و گریه می‌کنند؟..... ۳۵
- سؤال ۱۷..... ۳۶
- می‌گویند: صحابه در جریان غدیر حضور داشتند چرا به خلافت خلفاء اعتراض نکردند؟..... ۳۶
- سؤال ۱۸..... ۳۷
- می‌گویند: اگر علی (علیه السلام) خلیفه خدا بود چرا با سه خلیفه بیعت کرد؟..... ۳۷
- سؤال ۱۹..... ۳۸
- می‌گویند: تقیّه، ترس از مرگ است امامان شیعه که ترسی نداشتند چرا تقیّه کردند؟..... ۳۸
- سؤال ۲۰..... ۳۹
- می‌گویند: علی (علیه السلام) خلیفه شد پس چرا ظلم برچیده نشد؟..... ۳۹
- سؤال ۲۱..... ۴۰
- می‌گویند: پیامبر (صلی الله علیه و آله) در شب هجرت، علی (علیه السلام) را در خطر گذاشت و ابوبکر را همراه خود برد این دلیل محبت به ابوبکر و دشمنی با علی (علیه السلام) از سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) است!..... ۴۰
- سؤال ۲۲..... ۴۱
- می‌گویند: چرا در دوران بیماری پیامبر (صلی الله علیه و آله) علی (علیه السلام) پیش نماز نشد در حالی که این امامت صغری مقدمه‌ای بر امامت کبری است؟!..... ۴۱
- سؤال ۲۳..... ۴۲
- می‌گویند: زیارت اهل قبور در سیره‌ی صحابه یا بزرگان دینی نبوده ولی شیعیان انجام می‌دهند؟!..... ۴۲

- سؤال ۲۴ ۴۳
 می‌گویند: عمر فتوحاتی داشت و مسجدالاقصی را آزاد کرد شیعه چه کرد؟ ۴۳
- سؤال ۲۵ ۴۵
 می‌گویند: شیعه معتقد است که مصحف فاطمه (علیها السلام) که کتاب آن حضرت است به جای قرآن مورد احترام است! ۴۵
- سؤال ۲۶ ۴۶
 می‌گویند: چرا بعضی از فرزندان ائمه نام برخی از خلفاء را دارند؟ ۴۶
- سؤال ۲۷ ۴۷
 می‌گویند: اگر خلفاء بعد از پیامبر بد بودند دست پروردگان پیامبر (صلی الله علیه و آله) بودند پس کار پیامبر (صلی الله علیه و آله) زیر سؤال می‌رود؟! ۴۷
- سؤال ۲۸ ۴۸
 می‌گویند: هر کس نام حضرت مهدی (علیه السلام) را ببرد کافر است؟! ۴۸
- سؤال ۲۹ ۴۹
 می‌گویند: از کجا معلوم امامان شیعه معصومند؟! ۴۹
- سؤال ۳۰ ۵۰
 می‌گویند: چرا شیعه در اذان اشهد أن علیا ولی الله می‌گویند؟ ۵۰
- سؤال ۳۱ ۵۱
 می‌گویند: چرا جمعیت شیعه کم است؟ ۵۱
- سؤال ۳۲ ۵۴
 می‌گویند چرا به در و دیوار حرم بزرگان تبرک می‌جوئید؟ ۵۴
- سؤال ۳۳ ۵۵

- می‌گویند: توسل شرک و بدعت است؟..... ۵۵
- سؤال ۳۴..... ۵۷
- می‌گویند: چرا شیعیان دیانت و سیاست را با هم قبول دارند؟..... ۵۷
- سؤال ۳۵..... ۵۸
- می‌گویند: چرا شیعه نمازهای واجب را در سه وعده می‌خوانند؟..... ۵۸
- سؤال ۳۶..... ۶۰
- می‌گویند: اسلام دین خشونت است چرا؟..... ۶۰
- سؤال ۳۷..... ۶۲
- می‌گویند: همه انبیاء و رهبران الهی در بین مردم بوده‌اند امام زمان علیه السلام در غیبت چه فایده؟..... ۶۲
- سؤال ۳۸..... ۶۳
- می‌گویند: که چرا شراب حرام است؟..... ۶۳
- سؤال ۳۹..... ۶۵
- می‌گویند: زیارت قبور شرک است؟..... ۶۵
- سؤال ۴۰..... ۶۶
- می‌گویند: شیعه در خاتمه نماز سه مرتبه می‌گوید خان الامین چرا؟..... ۶۶
- سؤال ۴۱..... ۶۷
- می‌گویند: چرا قائل به عصمت ائمه هستید؟..... ۶۷
- سؤال ۴۲..... ۶۹
- می‌گویند: شیعه چرا قائل به علم غیب ائمه‌اند؟..... ۶۹
- سؤال ۴۳..... ۷۱
- می‌گویند: کلام قرآن درباره شفاعت تناقض دارد؟..... ۷۱

- سؤال ۴۴..... ۷۳
- می گویند: چرا شیعه با وهابیت مخالف است؟..... ۷۳
- سؤال ۴۵..... ۷۴
- می گویند: چرا شیعه به امام زمان معتقد است؟..... ۷۴
- سؤال ۴۶..... ۷۶
- می گویند: طفل پنج ساله و هشت ساله چگونه امام می شود؟..... ۷۶
- سؤال ۴۷..... ۷۸
- می گویند: اگر مسلمانان می خواستند با پیامبر ﷺ صحبت و نجوی کنند باید پول بدهند چرا؟!..... ۷۸
- سؤال ۴۸..... ۷۹
- می گویند: آیه ۵۰ سوره احزاب میگوید پیامبر می تواند زنانی بدون مهریه بگیرد؟!..... ۷۹
- سؤال ۴۹..... ۸۰
- می گویند: جان همه باید فدای پیامبر شود چرا؟!..... ۸۰
- سؤال ۵۰..... ۸۱
- می گویند: محل استقرار خدا کجاست؟ بر روی عرش است و یا نزدیک رگ گردن؟!..... ۸۱
- سؤال ۵۱..... ۸۲
- می گویند: حضرت آدم اگر گناهی نمی کرد چه می شد؟..... ۸۲
- سؤال ۵۲..... ۸۳
- می گویند: گناه کوتاه مدت و عذاب همیشگی است چرا؟!..... ۸۳
- سؤال ۵۳..... ۸۴

- می‌گویند: ارتباط مردان و زنان چرا آزاد نیست تا اینکه عادی شود؟! ۸۴
- سؤال ۵۴..... ۸۶
- می‌گویند: مگر می‌شود اصحاب کهف ۳۰۹ سال در خواب باشند در حالی که طبق محاسبه در این چند سال بیش از یکصد تن غذا و یکصد هزار لیتر آب نیاز داشته‌اند؟! ۸۶
- سؤال ۵۵..... ۸۷
- می‌گویند: اسلام دین خشونت است! ۸۷
- سؤال ۵۶..... ۸۸
- می‌گویند معراج خرافه است؟! ۸۸
- سؤال ۵۷..... ۸۹
- می‌گویند اسلام برای اعراب مکه و اطراف آن است چرا؟! ۸۹
- سؤال ۵۸..... ۹۰
- می‌گویند: حضرت یعقوب (علیه السلام) در فراق یوسف بهترین کار را صبر می‌داند پس چرا این همه گریه؟! ۹۰
- سؤال ۵۹..... ۹۱
- می‌گویند: شیعه چرا درباره اهل بیت غلو می‌کند؟! ۹۱
- سؤال ۶۰..... ۹۲
- می‌گویند: چرا حق طلاق با مرد است؟! ۹۲
- سؤال ۶۱..... ۹۳
- می‌گویند: چرا حضرت علی (علیه السلام) نام فرزندانش را عمر و ابوبکر قرار داد؟ ۹۳
- سؤال ۶۲..... ۹۴
- می‌گویند: علی (علیه السلام) با خلفا خوب بود شما چرا نیستید؟! ۹۴

- سؤال ۶۳..... ۹۵
- می‌گویند: چرا زنان از برخی مناصب مانند نبوت، امامت و مرجعیت محرومند؟..... ۹۵
- سؤال ۶۴..... ۹۷
- می‌گویند: زنان پیامبر ﷺ باید فدای آسایش پیامبر ﷺ شوند چرا؟..... ۹۷
- سؤال ۶۵..... ۹۸
- می‌گویند: در قرآن احترام به والدین آمده ولی به فرزندان نه چرا؟..... ۹۸
- سؤال ۶۶..... ۹۹
- می‌گویند: بداء به معنی جهل خداست..... ۹۹
- و شیعه به آن معتقد است چرا؟..... ۹۹
- سؤال ۶۷..... ۱۰۱
- می‌گویند: حکم قصاص غیر عاطفی، قدیمی، مقابله به مثل با یک روانی است چرا؟..... ۱۰۱
- سؤال ۶۸..... ۱۰۲
- می‌گویند: قرآن وعده دروغ داده که: لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ..... ۱۰۲
- سؤال ۶۹..... ۱۰۳
- می‌گویند: خدا با یک چشم به هم زدن خلق می‌کند چگونه؟..... ۱۰۳
- سؤال ۷۰..... ۱۰۴
- می‌گویند: یوسف عليه السلام نسبت دروغ به بنیامین داد چرا؟..... ۱۰۴
- سؤال ۷۱..... ۱۰۵
- می‌گویند: چرا قرآن کریم حکم ازدواج موقت داده؟..... ۱۰۵
- سؤال ۷۲..... ۱۰۶

- می‌گویند: چرا ام‌کلثوم دختر علی (علیه السلام) ۱۰۶
- با عمر ازدواج کرد؟ ۱۰۶
- سؤال ۷۳ ۱۰۷
- می‌گویند: خمس برای غنائم جنگ است ۱۰۷
- شیعه چرا می‌گیرد؟ ۱۰۷
- سؤال ۷۴ ۱۰۸
- می‌گویند چرا شیعه با صحابی پیامبر مخالفاند؟ ۱۰۸
- سؤال ۷۵ ۱۱۰
- می‌گویند: چرا اسلام برده داری را جایز دانست؟ ۱۱۰
- سؤال ۷۶ ۱۱۲
- می‌گویند چرا حیّ علی خیر العمل در اذان می‌گویند؟ ۱۱۲
- سؤال ۷۷ ۱۱۳
- می‌گویند چرا شیعیان با دست باز نماز می‌خوانند؟ ۱۱۳
- سؤال ۷۸ ۱۱۴
- می‌گویند: چرا شیعیان بر تربت سجده می‌کنند؟ ۱۱۴
- سؤال ۷۹ ۱۱۵
- می‌گویند: امتیازات خاصی به پیامبر (صلی الله علیه و آله) داده شده ۱۱۵
- مثلاً اموالی فقط در اختیار شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله) است چرا؟ ۱۱۵
- سؤال ۸۰ چرا اسلام حکم بر قتل فرد مرتد داده است؟ ۱۱۷
- سؤال ۸۱ موسیقی لذت بخش چرا حرام است؟ ۱۱۹
- سؤال ۸۲ ۱۲۱

- می گویند: موسیقی چه تاثیراتی بر سیستم اعصاب و بدن انسان دارد؟
 ۱۲۱.....
- سؤال ۸۳..... ۱۲۳
- چرا کشورهای اسلامی عقب مانده اند؟..... ۱۲۳
- سؤال ۸۴..... ۱۲۵
- می گویند: دلیل حقانیت اسلام و بطلان دیگر ادیان چیست؟ ۱۲۵
- سؤال ۸۵..... ۱۲۶
- می گویند: معراج پیامبر ﷺ چگونه بود؟..... ۱۲۶
- سؤال ۸۵..... ۱۲۷
- دلیل ازدواج های پیامبر ﷺ چیست؟..... ۱۲۷
- سؤال ۸۵..... ۱۲۹
- می گویند: چرا خدا در وجود ما شهوت قرار داد؟..... ۱۲۹
- سؤال ۸۶..... ۱۳۱
- می گویند: آیا ابوطالب پدر حضرت علی (علیه السلام) با ایمان بود؟..... ۱۳۱
- سؤال ۸۷..... ۱۳۳
- می گویند: خاصیت دین چیست؟..... ۱۳۳
- سؤال ۸۸..... ۱۳۵
- می گویند: نقش دین در سلامت چیست؟..... ۱۳۵
- سؤال ۸۹..... ۱۳۸
- می گویند: آیا حجاب و عفت عقلی است؟..... ۱۳۸
- سؤال ۹۰..... ۱۳۹
- می گویند: دلائل رواج بی حجابی چیست؟..... ۱۳۹

مقدمه:

قال الله تبارک و تعالی: **وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ**؛ با سؤال کننده خشونت مکن.^۱
پرسش و پاسخ از خصوصیات اسلامی به حساب می‌آید و انسان به چند دلیل نیازمند به پرسیدن است که گفته‌اند پرسیدن عیب نیست، ندانستن عیب است که از آن دلایل می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:
الف- همه مطالب را همگان نمی‌دانند.

ب- سؤال و پاسخ آن به منزله چراغی فرا راه هدایت بشر است.
ج- خداوند زمینه پرسیدن را قرار داده است و فرموده است: **فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ**؛^۲ یعنی اگر نمی‌دانید از اهلس سؤال کنید.
د- اگر زمینه پرسیدن برای کسی نباشد و جواب درستی نشنود و راه را به غلط برود عقاب و عذابش عادلانه نخواهد بود که در اصطلاح اسلام قُبْح عقاب بلا بیان نام دارد یعنی بدون بیان احکام دین نمی‌توان کسی را عقاب کرد.
امروز به لطف خداوند متعال و در سایه نظام مقدّس اسلامی دوره ارتباطات و پرسش و پاسخ است و در لحظه‌ای از شرق و غرب عالم و بالعکس در ارتباطند و اگر دیروز می‌گفتند افرادی پشت کوه قافند و جاهل قاصرند امروز چنان افرادی را

۱. (ضحی ۱۰)

۲. (انبیاء ۷)

نداریم و همه با هم به آسانی می‌توانند ارتباط داشته باشند که این کار بدی‌ها و خوبی‌هایی را در پی دارد که جای بحث آن در این مقدمه نیست. مجموعه پیش روی شما پاسخ به سئوالاتی است که در این دوسه سال اخیر از سوی دبیرستان‌ها و دانشگاه‌های شهرستان آباد از دفتر امام جمعه آباد پرسیده که اکنون تحت عنوان (می‌گویند-می‌گوئیم) در دست چاپ است که امید است مورد استفاده قرار گرفته و پاسخ‌های مختصری که داده شده است زمینه مطالعه مفصلی برای خواننده ایجاد نماید و ما را هم از این مطالعه و تحقیق ثوابی نصیب شود ان شاء الله.

سید حسن موسوی خراسانی

﴿سؤال ۱﴾

می‌گویند: شیعه معتقد است که علاقه به علی (علیه السلام) کافی است، هر چه گناه کنی با حبّ علی (علیه السلام) عذاب نمی‌شوی!؟

می‌گوییم:

اولاً: این تهمت به شیعیان است زیرا شیعیان به قرآنی عمل می‌کنند که می‌فرماید: خداوند اعمال را از انسان‌های با تقوا و پرهیزکار می‌پذیرد و بس.^۱
ثانیاً: شیعیان **إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ**، علی (علیه السلام) را به عنوان امام المتّقین یعنی پیشوای افراد نیکوکار قبول دارند و از خود او الگویی تقوا می‌گیرند نه از نام او.

ثالثاً: امام باقر (علیه السلام) به جابر فرمود: شیعیان ما کسانی‌اند که با تقوا باشند و اطاعت خدا کنند.^۲

رابعاً: شیعیان، امامی را قبول دارند که خود از خوف خدا مانند مار گزیده در محراب عبادت به خود می‌پیچد.

خامساً: شیعه معتقد به پیغمبری است که به فاطمه‌اش (علیها السلام) فرمود: گناه نکنی و امید به شفاعت من داشته باشی! که در قیامت هر کسی است و عملش.

۱- (مائده ۲۷)

۲. (امالی صدوق صفحه ۷۴۳)

سؤال ۲

می‌گویند: شیعه معتقد است که امام زمان علیه السلام به علت ترس از کشته شدن از مخفی‌گاه خود پنهان شده است!؟

می‌گوییم:

اولاً: امام زمان علیه السلام از کسی و چیزی نترسیده و نمی‌ترسد.

ثانیاً: از مخفی‌گاه به غیبت نرفته بلکه از عبادت گاهش مخفی شده.

ثالثاً: مانند این جریان درباره‌ی حضرت عیسی علیه السلام و برخی از انبیاء دیگر هم اتفاق افتاده است.

رابعاً: ظلم بنی امیه و بنی العباس که امامان قبل از او را کشتند باعث غیبت او شد.

خامساً: نام همه‌ی امامان را رسول خدا صلی الله علیه و آله بیان نموده و امام دوازدهم حضرت مهدی علیه السلام است که به حکم و امر خدا برای روزی که مصلحت خداوند است ظهور خواهد نمود.

سادساً: ایشان وقتی شعارشان این است که شهادت کرامتی برای ما می‌باشد و همه‌ی این سلسله امامان شهید شده‌اند ترس و مخفی شدن برایشان معنایی ندارد.

سؤال ۳

می‌گویند: شیعه سخنان امامان را همچون

پیامبران معتبر می‌دانند.

می‌گوییم:

اولاً: سخنان امامان برگرفته از سخن قرآن و پیامبران هست.

ثانیاً: امامان همواره می‌گویند جدمان پیامبر چنین گفت.

ثالثاً: شیعیان به خاطر حدیث ثقلین امامان را یکی از دو امانت الهی می‌دانند.

«کِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِی».

رابعاً: وهابی‌ها حرف رهبرانشان را بدون نقل از پیامبر حقّ می‌دانند و از سلف

نقل می‌کنند و مانعی برای آن قائل نیستند در حالی که آنان را معصوم نمی‌دانند!

خامساً: شیعیان معتبر بودن قول امام را چون از قول پیامبر است قبول

دارند.

سادساً: ما وقتی آنها را معصوم می‌دانیم سخنشان را حق دانسته و می

دانیم که معصوم نه گناه می‌کند و نه فکر گناه می‌کند پس هرگز از روی هوای

نفس سخن نمی‌گویید

سؤال ۴

می گویند: مگر علی (علیه السلام) معصوم نیست، پس چرا
«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي» می گوید؟

می گوئیم:

اولاً: پیامبر هم روزی ۷۰ مرتبه یا بیشتر اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ می گفت.

ثانیاً: خدا در سوره نصر به پیامبر برای ترک اولایش می گوید: استغفار کن:
«وَ اسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا».

ثالثاً: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي های علی (علیه السلام) درس آموزنده ای برای دیگران است که
اگر گناه کوچک یا بزرگی می کنند به سوی خدا بروند و توبه یعنی بازگشت به
خدا بکنند.

رابعاً: در نظر علی (علیه السلام) خدا آنقدر بزرگ است که کوچکترین ترک اولی را
سزاوار او نمی داند لذا با استغفار معذرت خواهی می کند

خامساً: حتماً غفران از خطای بزرگ لازم نیست بلکه برای کوتاهی ها هم
مردان بزرگ توبه و عذرخواهی می کنند هم چون معذرت خواهی که انسان در
هنگام صحبت با بزرگی برای سرفه ای انجام می دهد.

سؤال ۵

می‌گویند: دین در زمان پیامبر ﷺ کامل شد و مذهب شیعه بعداً پدید آمد چرا؟ و چه نیازی بود؟

می‌گوییم:

اولاً: کتب شیعه پدیده‌ی سیاسی کلامی یا علمی و از این قبیل نبود که پدید آمده باشد بلکه شیعه روی دیگر همان سگّه اصل اسلام است.

ثانیاً: بارها به زبان پیامبر ﷺ واژه شیعه آمده بود. در ۴۰ روایت از سوی اهل سنت آمده است که لغت شیعه را پیامبر بیان فرموده است. روایات منقول از سیوطی و طبری درباره «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ»^۱ برای تعیین آینده‌ی دین اسلام و به کمال رسیدن آن است.

ثالثاً: بهترین سند برای دریافت جواب این انتقاد در کتاب شریف الغدير و یا تفسیر طبری و یا المیزان فی تفسیر القرآن آمده است.

رابعاً: تعیین علی (علیه السلام) به امامت برای ادامه راه است نه تعیین راهی دیگر.

سؤال ۶

می گویند: لباس سیاه پوشیدن مکروه است

شیعه چرا سیاه می پوشد؟

می گوئیم:

اولاً: همه‌ی شیعیان سیاه نمی پوشند.

ثانیاً: انجام عمل مکروه، حرام و گناه نیست.

ثالثاً: علامت عزاداری در بسیاری از مکاتب و ملل سیاه است.

رابعاً: برخی از انواع پوشش اگر سیاه باشد بی مانع است همانند عبای مشکی

برای نماز.

خامساً: اینکه چه کسانی شیعه را سیاه پوش کرده را باید از هواداران بنی-

امیه و بنی العباس پرسید!

سادساً: از عالم شیعی پرسیدند چرا سیاه می پوشید فرمود: از اربابان ظالم

که خدا لعنتشان کند پرس و گرنه جزع و فزع سفارش اسلام نیست. «كُلُّ الْجَزَعِ

و الْبُكَاءِ مَكْرُوهٌ إِلَّا الْجَزَعُ عَلَى الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَام)»؛ هر گریه‌ای مکروه و ناپسند است

به جز گریه بر امام حسین (علیه السلام).

سؤال ۷

می‌گویند: مگر علی علیه السلام بزرگتر از حسین علیه السلام نیست

چرا برای علی علیه السلام سینه نمی‌زنید؟

می‌گوییم:

اولاً: معلوم است که علی علیه السلام از حسین علیه السلام بزرگتر است و پیغمبر صلی الله علیه و آله از علی علیه السلام بزرگتر است.

ثانیاً: ماجرای حسین علیه السلام ماجرای منحصر به فردی است زیرا او مظلومیت خاصی داشته است.

ثالثاً: خود شخص پیامبر صلی الله علیه و آله برای حسین علیه السلام گریه کرد و در روایت داریم: لَا يَوْمَ كَيَوْمِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ.

رابعاً: به گفته علامه امینی پیامبر صلی الله علیه و آله برای حسین علیه السلام مجلس عزا برگزار می‌کرد.

خامساً: ماجرای عزاداری بر حسین علیه السلام جریان تاریخ را عوض کرد.

سادساً: جریان عزای امام حسین علیه السلام بهانه‌ای برای نشر معارف دین است.

سابعاً: در ایام شهادت حضرت علی علیه السلام شیعیان سیاه پوش می‌شوند و برای ایشان نیز سینه زنی و عزاداری برپا می‌کنند.

سؤال ۸

می گویند: شیعه ولایت علی علیه السلام را رکن می داند
پس چرا این رکن مانند نماز در قرآن نیست؟

می گوئیم:

اولاً: **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ**، که در سوره‌ی مائده آیه ۵۵ آمده همان آیه ولایت است.

ثانیاً: ۶۶ نفر از علماء اهل سنت آن را آیه ولایت می دانند.^۱

ثالثاً: احادیث معروف نبوی مانند حدیث منزلت و حدیث **عَلِيٌّ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ**، که در کتب اهل تسنن آمده دلیل دیگری بر منزلت و ولایت حضرت علی علیه السلام است.
رابعاً: مگر هر چه رکن باشد باید صراحتاً در قرآن بیان شده باشد. و همه مسلمانان می دانند که هر آیه قرآنی شأن نزول و تبیین و تأویل و مصداق خاصی را دارد.

خامساً: چیزی را که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن هم با تأکید و تکرار می گوید همان کلام قرآن است زیرا در قرآن آمده است که: **مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ**؛^۲ هر چه را پیامبر آورد آن را به عنوان سند قبول کرده و تبعیت کنید. پیامبر صلی الله علیه و آله بارها حضرت علی علیه السلام به عنوان جانشین خود در بین اصحاب و عوام مردم بیان کرد.

۱- (ر.ک. الغدیر)

۲- (حشر ۷)

سؤال ۹

**می‌گویند: شیعه ناسزای به خلفا را عبادت می‌داند
در حال که ما نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام توهین نمی‌کنیم!!**

می‌گوییم:

اولاً: از زبان خود حضرت علی علیه‌السلام آمده است که خوش ندارم دشنام دهید.

ثانیاً: صحابه یک طیف گسترده‌ای هستند که گفته‌اند ۱۰۰ هزار نفرند و ۱۵ هزار نفرشان نامی ثبت شده دارند و بقیه مجهول و هیچ عاقلی افراد شناخته شده‌ی خوب را لعن و توهین نمی‌کند و نیز افراد مجهولی که شناختی از آنها نیست را.

ثالثاً: گرچه در میان آن جمعی که صحابه نام دارند عده‌ای ظلم‌های بزرگی به اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کرده‌اند اما بزرگان شیعه، لعن و خصومت به خلفاء را صحیح نمی‌دانند و از آن نهی می‌کنند.

رابعاً: عده‌ای از اصحاب پیامبر ستم کرده‌اند و قرآن نسبت فسق به آنان می‌دهد. مانند ولید بن عقبه در سوره حجرات آیه ۶.

خامساً: شیعه برای اثبات حقانیت امامت و ولایت چهارده معصوم دلایل زیادی را از آیات و سخنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در دست دارد اما معتقد است شیعیان و اهل سنت هر سخنی را که بوی اختلاف در بین مسلمین ایجاد می‌کند را باید کنار گذاشت.

سؤال ۱۰

می گویند: زمانی که پیامبر ﷺ قلم و دوات خواست تا چیزی بنویسد خلیفه دوم مخالفت کرد چرا حضرت علی (علیه السلام) که شجاع بود دفاع نکرد؟!

می گوئیم:

اولاً: خوب است از زبان ابن عباس مفسر قرآن و صحابی پیامبر بشنویم که ماجرای آن روز پنج شنبه که مانع از آوردن کاغذ و قلم شدند را نقل می کند و می گوید بزرگ ترین فاجعه و مصیبت بود.

ثانیاً: عده ای به پیامبر ﷺ نسبت هزیان گویی دادند که: **إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَدْ غَلَبَ عَلَيْهِ الْوَجَعُ وَ عِنْدَكُمْ الْقُرْآنُ حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ!**، و این جنایتی نابخشودنی است.

ثالثاً: این کار، پیش افتادن بر پیامبر است و مخالف آیه اول سوره حجرات است و اینان که با قرآن این چنین مخالفت می کنند به یقین با نوشته ی پیامبر هم مخالفت می کردند.

رابعاً: این حدیث را بخاری در ۶ جای صحیح خود متذکر شده است.

خامساً: علی (علیه السلام) در آنجا حاضر بود و سر و صدای افراد در اطراف پیامبر ﷺ را دید و ترس از بین رفتن کل مکتب را داشت و می دانست که اگر هم پیامبر ﷺ را بنویسد آنان به آن عمل نخواهند کرد لذا به خاطر حفظ مصالح اسلام از ماجرا گذشت.

سادساً: حضرت علی (علیه السلام) مطیع محض پیامبر بود و اگر پیامبر از او می خواست که دفاع کند قطعاً چنین می کرد در حالی که پیامبر از شخص او چنین تکلیفی را نخواستند.

سابعاً: پیامبر ﷺ در مسجد و در حضور مردم حدیث ثقلین را گفته و وصیت لازم به مردم را انجام داده است.

سؤال ۱۱

می‌گویند: کتاب کافی تفسیر قرآن است
و روایات ضعیفی دارد؟!!

می‌گوییم:

اولاً: کافی یک کتاب روایی است نه تفسیر قرآن نیست.

ثانیاً: درباره‌ی این کتاب یا هر کتاب حدیث دیگری که شیعه دارد دستور این است که آن را بر قرآن عرضه کنند اگر مطابق با قرآن بود بپذیرند و گرنه «فَاضْرِبُوهُ عَلَى الْجِدَارِ» به سینه دیوار بکوبید.

ثالثاً: کتاب کافی روایات ضعیف فراوانی که شما معتقدید ندارد و قریب به اتفاق آن روایات، موثق و صحیح است.

رابعاً: مگر کتاب بخاری و مسلم که کتب اهل سنت است، از اول تا آخر صحیح و بدون روایات ضعیف است؟!!

خامساً: شما که در مذهبتان روایات و خبر واحد را می‌پذیرید و حجّت می‌دانید پس چه دغدغه‌ای دارید؟!!

سؤال ۱۲

می گویند: علی علیه السلام اگر خلیفه الهی است نمی تواند خلافت را به غیر بسپارد چرا گفت: فَالْتَمِسُوا غَيْرِي؛ به سراغ غیر من بروید؟! می گوئیم:

اولاً: امام رضا علیه السلام فرمودند: أَمْرُ الْإِمَامَةِ مِنْ كَمَالِ الدِّينِ: امر خلافت و امامت بابت تکمیل دین است.

ثانیاً: خلافت دو گونه است: ۱- منصوص یعنی تعیین شده از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۲- انتخابی، تعیین از سوی مردم. اولی قابل انتقال به غیر نیست دومی که بر سیره سه خلیفه قبل از او استوار باشد را حضرت علی علیه السلام رد کرد.

ثالثاً: وقتی مجبور شد بر اساس اصرار مردم بپذیرد با شرایطی پذیرفت، شرط مبارزه با اشرافی گری، رفع تبعیض ها و به سیره ی پیامبر عمل کردن و... **رابعاً:** با شرایطی می پذیرفت که بسیاری از دست اندرکاران خلفای قبل که بدون لیاقت بر سر کار آمده اند را از کار برکنار کند.

خامساً: روش اعمال شده ای که با اشاره خلفاء و اجرای معاویه خلافت را به سمت سلطنت سوق می داد را علی علیه السلام بر نمی تافت و درصدد عوض کردنش بود.

سؤال ۱۳

می‌گویند: چرا اهل بیت علیهم‌السلام با خانواده اصحاب ازدواج می‌کردند؟

می‌گوییم:

اولاً: در عرب و به ویژه عراق بین شیعه و سنی ازدواج رواج داشته و اکنون نیز دارد.

ثانیاً: برخی از ازدواج‌ها به خاطر رفع برخی فتنه‌ها بوده و این در سنت خود رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز بوده است (ازدواج مصلحتی).

ثالثاً: ازدواج به معنی تبادل اندیشه و تفکر نیست.

رابعاً: ارتباط و ازدواج فرزند و نوه و نبیره‌ی کسانی که با هم اختلاف عقیدتی داشته‌اند هم رسم بوده و هم هست.

خامساً: همه نوه و نبیره‌ها که تفکر پدرانشان را نداشته‌اند.

سادساً: کاری که از نظر اسلام شرعی می‌باشد سؤال کردن ندارد و کار معصوم برای ما حجت شرعی و صحیح است.

سؤال ۱۴

می گویند: ائمه علیهم السلام که علم غیب داشتند چرا زهر نوشیدند؟

می گوئیم:

اولاً: ائمه همیشه از علم غیب خود استفاده نمی کرده اند و استفاده اختصاصی را بر خود ممنوع می دانستند.

ثانیاً: قبول مرگ سرخ (شهادت) را یک تکلیف و حتی موهبت الهی و علامت تسلیم می دانستند و می فرمودند: کرامتنا الشهاده

ثالثاً: زهر نوشیدن نتیجه مبارزه‌ی ائمه با خلفاء و سلاطین جور بوده و غیر از این راهی نداشته اند همچون امام رضا علیه السلام که مأمون گفت راهی نداری باید زهر را بنوشی ای ابن عم!!!

رابعاً: این سؤال ما از شماست که چه به سر ائمه دین آورده‌اید تا به چنین حدی برسند!

خامساً: در علم غیب فرق ائمه با ما این است که ما اصلاً نمی دانیم و اگر هم بخواهیم نمی دانیم ولی آنان اگر بخواهند از علم لدنی یعنی غیب استفاده کنند می توانند که گفته اند: **إِنَّ الْإِمَامَ إِذَا شَاءَ أَنْ يَعْلَمَ عُلْمَ** امام اگر بخواهد بداند می داند.

سؤال ۱۵

می‌گویند: توسل شرک به خداوند است

می‌گوییم:

اولاً: قرآن می‌فرماید: **وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ**^۱ با وسیله به سوی خدا بروید.

ثانیاً: توسل در لغت تمسک به چیزی برای رسیدن به مقصودی است.

ثالثاً: عدم توسل مضموم است؛ **وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّاْ رُؤُوسَهُمْ وَ رَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَ هُمْ مُسْتَكْبِرُونَ**^۲ هنگامی که به آنان گفته شود: بیایید تا رسول خدا برای شما استغفار کند! سرهای خود را از روی استهزا و کبر و غرور تکان می‌دهند و آنها را می‌بینی که از سخنان تو اعراض کرده و تکبر می‌ورزند!

رابعاً: هرگاه باران نمی‌آمد خلیفه دوم به عباس بن عبدالمطلب می‌گفت:

متوسل شو تا باران بیاید و او می‌گفت: **اللهم انا كنا نتوسل اليك بينا...**^۳

خامساً: عایشه دستور داد برای رفع قحطی سقف گنبد رسول خدا ﷺ را سوراخ کنند پس دعا کردند و باران مفصلی آمد.^۴

سادساً: امام شافعی می‌گوید: **أَلُ النَّبِيِّ ذَرِيَعَتِي وَ هُمْ إِلَيْهِ وَسِيلَتِي، أَرْجُو بِهِمْ أُعْطِيَ غَدًا يَبْدُ الْيَمِينِ صَحِيفَتِي؛** خاندان پیامبر دستاویزمنند و ایشان وسیله‌ی رسیدن من به پیامبرند و من امیدوارم به این که فردای قیامت،

۱- (مائده ۳۵)

۲- (منافقون ۵)

۳- (صحیح بخاری صفحه ۳۴)

۴- (وفاء الوفاء جلد ۴)

نامه‌ی اعمالم را به دست راستم بدهند.^۱
سابعاً: ابوبکر در میان گریه‌های در عزای پیامبر با رسول خدا ﷺ حرف می‌زد و از او استمداد می‌طلبید.^۲
ثامناً: در **وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ** وسائل و وسائط عبارتند از: انجام فرائض - توسل به صفات خدا - توسل به قرآن - توسل به دعای برادر مؤمن - توسل به دعای پیامبر در حیات و پس از آن - تمسک به عمل صالح و...

۱- (الدرارالتیبه)

۲- (سیره حلبی، صفحه ۳۹۲)

سؤال ۱۶

می‌گویند: در مصیبت باید صبر کرد چرا شیعیان

سینه می‌زنند و گریه می‌کنند؟

می‌گوییم:

اولاً: گریه چند قسم دارد یک گریه عاطفی که قهری است و انسانی که گل او از انس سرشته شده بر مصائب گریه می‌کند.

ثانیاً: رسول خدا ﷺ هم برای عمویش حمزه گریه کرد و هم برای فرزند ۱۲ ساله‌ی عزیزش ابراهیم و هم در مرگ دخترانش.

ثالثاً: گریه که خودش جریانی طبیعی است موجب استفاده‌های بزرگی همچون ترویج مکتب، عاطفه و انتقال جریانات سیاسی به تاریخ و نیز موجب نشر دین است.

رابعاً: از رسول خدا ﷺ پرسیدند: گریه شما چه حکمتی دارد فرمود: گریه، رحمتی است که خدا در نهاد انسان به ودیعه قرار داده است.

خامساً: عایشه در فقدان شوهرش رسول خدا ﷺ گریه‌ها کرد.

سادساً: در زندگی هر سه خلیفه آمده است که بر مصائب فراوانی گریه کردند.

سابعاً: عالمی وهابی به عالم شیعه گفت چرا گریه می‌کنید؟ فرمود: خدا

لعنت کند کسانی را که باعث ظلم به اهل بیت پیامبر ﷺ شدند و ما را به گریه انداختند!

سؤال ۱۷

**می گویند: صحابه در جریان غدیر حضور داشتند
چرا به خلافت خلفاء اعتراض نکردند؟**

می گوئیم:

اولاً: این خود اول بحث است که غدیر با همه وضوحش در پیش چشم همگان انجام گرفت و عده‌ای مصلحت اندیش و منافق آن را کتمان کردند که بعدها حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام به این نکته اشاراتی داشتند و افرادی را شاهد مظلومیت علی علیه السلام معرفی می کردند.

ثانیاً: عده ای از اصحاب بالاتر از اعتراض حتی احتجاج هم کردند و مباحثه و مناظره‌هایی در این باره انجام گرفت.

ثالثاً: علامه امینی ۲۲ مناظره از سوی صحابه و بعدی‌ها را ثبت کرده است. باید به کتاب (الغدیر) مراجعه کرد.

رابعاً: بین عمرو عاص و معاویه دو تن از مخالفین علی علیه السلام اختلاف افتاد. عمر و عاص به معاویه گفت: وای بر تو مگر یادت رفته که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر خم گفت: **أَلَا مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ!**

خامساً: این توقع بی جایی است که از همه‌ی صحابه دارید زیرا همه‌ی صحابه که انسان‌های خوبی نبودند و همچنین در میان صحابه‌ای که آن روز در غدیر خم بودند افراد جاه طلب، بی بند و بار نسبت به فرمایشات رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و کسانی که حتی در لحظه رحلت پیامبر از آوردن قلم و کاغذ برای آن بزرگوار جلوگیری کردند بودند.

سؤال ۱۸

**می‌گویند: اگر علی علیه السلام خلیفه خدا بود
چرا با سه خلیفه بیعت کرد؟**

می‌گوییم:

اولاً: هرگز حضرت علی علیه السلام با عمر و عثمان بیعت نکرده است.

ثانیاً: با ابوبکر نیز تا شش ماه بیعت نکرد.

ثالثاً: او را با ماجرای زوری و حکومتی و دست بسته و حمله به خانه‌اش برای بیعت بردند!

رابعاً: خلافت دینی را از جریان اصلی خودش دور کردند و درباره ابوبکر سقیفه ۶ نفری ترتیب دادند و خلافت که یک امر دینی و الهی است را با بند و بست‌های سیاسی با رأی ۴ نفر یا ۵ نفر به تصویب رساندند.

خامساً: عمر خلیفه ابوبکر است نه خلیفه مردم و خدا! و عثمان با ترفند عبدالرحمن خلیفه عبدالرحمن است نه خدا و مردم! و این‌ها هیچ کدامشان نیاز به بیعت با علی علیه السلام نداشتند.

سادساً: حضرت زهرا علیها السلام دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و یکی از آحاد چهارده معصوم بود ولی هرگز با هیچ کدامشان بیعت نکرد را چه می‌گویید؟

سابعاً: بعد از همه‌ی مطالب این سؤال ما می‌باشد که علی علیه السلام بالاخره از اصحاب بود چگونه است که این صحابی نزدیک به پیامبر هرگز با این خلفا بیعت نکرد پس دلیل حق بودن خلفا چیست؟!.

سؤال ۱۹

می گویند: تقیه، ترس از مرگ است امامان شیعه

که ترسی نداشتند چرا تقیه کردند؟

می گوییم:

اولاً: تقیه یک امر دینی و عقلی است و در همه جا و همه کس جریان دارد مانند افشاء نکردن اسرار نظامی از سوی ملت‌ها و دولت‌ها و امثال این‌ها.

ثانیاً: بنی امیه جنایاتی انجام دادند و عده‌ای از یاران بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله مانند حجر بن عدی‌ها و میثم تمّارها را کشتند و عده‌ای را شکنجه دادند و ائمه برای حفظ جان بقیه تقیه کردند.

ثالثاً: تقیه نه برای ترس از مرگ است بلکه برای حفظ دین از ظلم دشمنان لازم بوده و به فرموده امام صادق علیه السلام این روش همه‌ی بزرگان دین بوده است.

رابعاً: به وسیله‌ی همین تقیه احکام خدا به مردم می‌رسید، امام صادق علیه السلام در مدینه برای کسی حکمی را گفت که بعد از آن که به گوش زراره رسید. او فهمید و فرمود امام این حکم را از روی تقیه گفته است و وقتی به محضرش رسید حکم واقعی را فرمود و طرف آن گاه به وظیفه‌ی اصلی خودش عمل کرد!

خامساً: این فضای خفقان را دستگاه خلفاء فراهم کرده بودند که امامان معصوم علیهم السلام که عالم علم واقعی هستند نتوانند سخن خدا را برای مردم بگویند.

سادساً: این هم از جمله مسائلی است که باید علتش را از مخالفان اسلام و مخالفان مکتب تشیع پرسید که چرا فضای جامعه را ناآمن کرده بودند که نمی‌شد مسائل تشیع را آزادانه بیان نمود!

سؤال ۲۰

می‌گویند: علی علیه السلام خلیفه شد پس چرا ظلم برچیده نشد؟

می‌گوییم:

اولاً: مگر با مبعوث شدن پیامبران ظلم برچیده شد یا با حضور صد و بیست و چهار هزار پیغمبر ظلم و ستم برچیده شد؟!

ثانیاً: امامان هم همان وظیفه‌ی انبیاء را داشتند به غیر از نبوت و دریافت وحی، لکن نه در زمان رسالت انبیاء و نه زمان امامت ائمه ظلم برطرف نشد.

ثالثاً: سؤال این است که آیا کارآمدی کسی که از سوی پیامبر نصب می‌شود بیشتر و بهتر است و یا کسی که از سوی فردی همچون خودش انتخاب شده؟!

رابعاً: معصوم چون خودش از گناه دور است تضمین بهتری برای تأثیرگذاری دارد تا فردی غیرمعصوم که خودش خالی از خطا و لغزش نیست.

خامساً: سؤال ما از شما این است که چه کسی یا کسانی نگذاشتند که علی علیه السلام به اهداف مقدس دینی‌اش برسد تا ظلم برچیده شود؟!

﴿سؤال ۲۱﴾

می‌گویند: پیامبر ﷺ در شب هجرت، علی علیه السلام را در خطر گذاشت و ابوبکر را همراه خود برد این دلیل محبت به ابوبکر و دشمنی با علی علیه السلام از سوی پیامبر ﷺ است!

می‌گوییم:

اولاً: آن شب که علی علیه السلام این اقدام را نمود را ليله المبيت می‌نامند و نمودار اوج ایثار علی علیه السلام به پیامبر ﷺ است.

ثانیاً: رسم است که در امور جنگی افراد مبارز و جان فدا را در پیشاپیش جبهه قرار می‌دهند و آن شب پیامبر ﷺ علی علیه السلام را در جایگاه انسان‌های شجاع و مبارز قرار داد.

ثالثاً: رسم است افراد ضعیف را در عقب نشینی‌ها همراه می‌برند و رسول خدا ﷺ ابوبکر را به این دلیل همراه خود برد.

رابعاً: کار مهم علی علیه السلام در آن شب باعث نزول آیه شریفه: **وَ مِنْ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ**، شد، و مشخص است که منظور از مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ نفسه حضرت علی علیه السلام است.

خامساً: از همه گذشته، رسول الله صلی الله علیه و آله مریدان و یارانش را به دو نیم تقسیم نکرد که عده‌ای برای ماندن و عده‌ای برای مردن باشند.

سادساً: مطالب دیگری نیز هست که در کتب دیگر به مفصل به آن پرداخته شده است!!

سؤال ۲۲

می‌گویند: چرا در دوران بیماری پیامبر ﷺ علی (علیه السلام) پیش نماز نشد در حالی که این امامت صغری مقدمه‌ای بر امامت کبری است؟! می‌گوییم:

اولاً: مگر پیش‌نمازی دلیل لیاقت برای خلافت است؟

ثانیاً: مگر ابوبکر با اجازه کسی امام جماعت شده بود؟

ثالثاً: در زمان جنگ تبوک علی (علیه السلام) ۴ ماه در مدینه به امر پیامبر ﷺ تمام کارهای اسلام و از جمله پیش‌نمازی را انجام می‌داد و پیامبر ﷺ به او فرموده است: **أَنْتَ مِنْنِي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى؛** تو برای من همچون هارون برادر موسی برای موسای کلیم هستی.

رابعاً: افرادی عمرشان را پیش‌نماز بودند پس باید خلیفه باشند.

خامساً: هیچ دلیلی ندارید که علی (علیه السلام) در آن زمان پیش‌نماز نبوده است.

سادساً: بین امام جماعت و امام امت فاصله زیادی است!؟

سؤال ۲۳

می‌گویند: زیارت اهل قبور در سیره‌ی صحابه یا بزرگان دینی نبوده ولی شیعیان انجام می‌دهند؟!

می‌گوییم:

اولاً: در سیره‌ی زندگانی بزرگان اهل سنت آمده است که افرادی مانند عبدالله بن عمر هر گاه می‌خواست به مسافرتی برود یا از سفری برمی‌گشت به زیارت قبر رسول الله ﷺ می‌رفت.^۱

ثانیاً: بر اساس سفارش خود رسول الله ﷺ عده‌ای از اصحاب بزرگوار مانند بلال حبشی و دیگران به زیارتش می‌رفتند.^۲

ثالثاً: جابر بن عبدالله انصاری در کنار قبر رسول الله ﷺ نوحه سرایی کرده و مدایح آن حضرت را در غالب شعر و غیر آن می‌خواند.

رابعاً: حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در کنار تربت تازه پدر می‌نشست و یاد و خاطره‌ی زمان حیات آن حضرت را می‌گفت که اشعار عربی منصوب به آن حضرت معروف است:

صَبَّتْ عَلَيَّ مَصَائِبَ لَوَانِهَا صَبَّتْ عَلَيَّ الْاَيَّامَ صِرْنَ لِيَالِيَا

خامساً: شخص رسول الله ﷺ به زیارت عمویش حضرت حمزه می‌رفت و نیز حضرت زهرا علیها السلام سیدالشهداء به احد می‌رفت و نیز حضرت زهرا علیها السلام

۱. (وفاء الوفاء)

۲. (تاریخ ابن عاکر)

سؤال ۲۴

می‌گویند: عمر فتوحاتی داشت و مسجدالاقصی

را آزاد کرد شیعه چه کرد؟

می‌گوییم:

اولاً: زمینه‌ی آزادی مسجدالاقصی از قبل تدارک شده و زمان نتیجه‌اش زمانه عمر بوده آن هم با اعتقاد راسخی که مردم به این قبله اول داشتند و در راه آزادی آن کمک کردند.

ثانیاً: امیرمؤمنان علی علیه السلام در سخت‌ترین مراحل پیشاپیش رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ‌های خندق و خیبر بوده و لقب **لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْقَعَارِ وَ لَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ** و **كَرَّارٌ غَيْرُ فَرَّارٍ** و اینکه با قاسطین و مارقین و ناکتین جنگیدن و در تمامی فتوحات دینی شرکت داشتن، از آن اوست.

ثالثاً: فاتح شامات و منطقه‌ی آسیای صغیر ابویوب انصاری از ارادتمندان مولا علی علیه السلام و شیعه ناب است.

رابعاً: جهادهای نظامی شیعیان در عالم را در کتاب جهاد الشیعه بخوانید تا غیرتمندان شیعه را بدانید و بشناسید.

خامساً: اگر اندکی در مبارزه‌ی آیت الله محمد تقی شیرازی در دفع شر انگلیسی‌ها از محیط عراق و تشکیل ثوره العشرین در قرن چهاردهم دقت کنید و کمی به مبارزات شیعیان لبنان علیه اسرائیل بیندیشید چنین قضاوت نخواهید کرد.

سادساً: همه‌ی جهادها جهاد نظامی نیست، در بسیاری از مواقع جهاد فرهنگی ثمرات بیشتری دارد، دانشمندان شیعه در راه ترویج مبانی دینی و مبارزه با مفساد زجر و شکنجه‌ها دیده و بسیاری از آنان در این راه به شهادت رسیده‌اند.

سابعاً: بر فرض صحت ادعای فوق صرف فتوحات جنگی به تنهایی ملاک برای رهبری و امامت ایجاد نمی‌کند بلکه رهبری امت اسلامی شرایط خاص و متعددی دارد و انتخاب متصدی منصب امامت توسط خداوند صورت می‌پذیرد.

سؤال ۲۵

می‌گویند: شیعه معتقد است که مصحف فاطمه علیها السلام که کتاب آن حضرت است به جای قرآن مورد احترام است!

می‌گوییم:

اولاً: مصحفی در کار نبوده بلکه دفتر یادداشت‌های حضرت فاطمه علیها السلام زهر علیها السلام بوده است که احتراماً به مصحف یعنی صحیفه فاطمه سلام الله علیها نام گذاری شده است .

ثانیاً: فاطمه علیها السلام چون محدثه است حدیث‌های رسیده را ثبت می‌کرده است و به فرموده حضرت صادق علیه السلام در این کتابچه از حلال و حرام صحبت هست ولی یک جمله از قرآن در آن نیست پس کسی آن را به جای قرآن نمی‌داند.

ثالثاً: مصحف در عرب به هر نوشته مجلّدی گفته می‌شود.

رابعاً: مجموعه‌ای به نام مصاحف موجود است که یکی از آنها هم مصحفی است که به دستور عمر درست شده.

خامساً: نصایح پدر و نکته‌های مفید زندگی و بر آنچه فرشتگان یا فرشته الهی به او الهام کرده در این مجموعه است.

سادساً: این مجموعه تا زمان امامت ائمه مورد احترام ائمه معصومین علیهم السلام بوده و آن بزرگواران از آن به عنوان کتاب مادرمان استفاده می‌کرده‌اند.

سؤال ۲۶

می‌گویند: چرا بعضی از فرزندان ائمه نام
برخی از خلفاء را دارند؟

می‌گوییم:

اولاً: نامگذاری ملاک علاقه یا ارادت نیست، اسامی مشترک در زمان‌های مختلف فراوان بوده است مثلاً شاه در ایران منفور بوده ولی نام محمدرضا نام بسیاری از افراد بوده است.

ثانیاً: این نام‌ها فقط نام این سه خلیفه نبوده است بلکه نام دیگرانی هم بوده و این نام‌ها از نام‌های رایج آن روزگار بوده است.

ثالثاً: در یک کتابی که نام دانشمندان آورده شده نام عمر فراوان آمده و اینان نشان از ارادتمند بودن آنها به شخص خاص نبوده است.

رابعاً: در آن زمان هرگز از شنیدن این نام کسی یا شخصی تداعی شخصی را نمی‌کرد.

خامساً: این نام‌گذاری‌ها می‌تواند از باب تقیّه و برای فرار از ظلم بی‌پایان خلفاء و سلاطین بنی امیه باشد تا بدین وسیله از ظلم آنان کاهیده شوده همچون ازدواج‌های پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام با خانواده‌های خلفاء که بعضاً به همین منظور بوده است.

﴿سؤال ۲۷﴾

می‌گویند: اگر خلفاء بعد از پیامبر بد بودند دست‌پروردگان پیامبر ﷺ

بودند پس کار پیامبر ﷺ زیر سؤال می‌رود؟!

می‌گوییم:

اولاً: اثر کار بزرگ پیامبر ﷺ که هدایت یک جهان را بر عهده دارد با بد و خوب بودن یکی یا چند نفر سنجیده نمی‌شود.

ثانیاً: اگر کلاس تربیتی پیامبر ﷺ دو سه نفر شاگرد می‌داشت و این دو سه نفر کلاً خراب تربیت می‌شدند حق با شما بود.

ثالثاً: برای پیامبر اکرم ﷺ مثلاً صد هزار نفر صحابی نام برده شده که بسیاری از آن‌ها افرادی واجد کمال و شرافتی بوده‌اند.

رابعاً: مسئله مرتد شدن عده‌ای را کسی نمی‌تواند انکار کند، اینان مسلمان بودند ولی عملکرد عده‌ای باعث شد از دین برگردند و مرتد شوند!

خامساً: عده‌ای از قبیل ابوذر غفاری، سلمان فارسی، ابویوب انصاری، عمّار یاسر که تمامی آنان در جنگ‌های بدر و خندق و خیبر برای دین خدا جان باختند را نام نمی‌برید فقط از چند نفری که خلافت را غصب کردند و از شاگردان مردود کلاس پیامبر ﷺ بودند یاد می‌کنید و این ایراد حتی به خدا هم نعوذبالله علی‌الظاهر می‌توان گفت! که چرا همه بندگان خوب نیستند.

سادساً: این توهین بزرگی به پیامبر ﷺ است که یک خیل عظیمی از شاگردان ممتاز کلاس او را فراموش کنید.

﴿سؤال ۲۸﴾

**می‌گویند: هر کس نام حضرت مهدی علیه السلام را ببرد
کافر است!؟**

می‌گوییم:

اولاً: این کار به دلیل امنیت بوده است برای ظلمی که بنی امیه و بنی العباس به ائمه قبله و پدران امام زمان کردند.

ثانیاً: این دستوری که نام آن حضرت مخفی برده شود از زمان امام صادق علیه السلام رواج پیدا کرده است.

ثالثاً: این ماجرا، ماجرای خصوصی و خانوادگی بود.

رابعاً: این که جز کافران نام او را نمی‌برند بدان معناست که در زمان دولت ظالم بنی العباس که آن امام مخفی زندگی می‌کرد اگر کسی عمداً نام او را می‌برد به خاطر آن بود که دشمن بر او دست بیابد و او را بکشد.

خامساً: علت این مخفی شدن ها را بهتر است از خلفای بنی امیه و بنی

العباس پرسید!

سادساً: نام خاص حضرت را به زبان آوردن کفر نیست و گوینده آن هم کافر

نیست.

سؤال ۲۹

می‌گویند: از کجا معلوم امامان شیعه معصومند!؟

می‌گوییم:

اولاً: به دلیل جمله رسول خدا ﷺ که در آخر عمر مبارکشان فرمودند: **إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي**. قرآن معصوم و از خطا مصون است و عترت هم در کنار آن آمده است و به یقین یکی از ادله همین که نام قرآن و اهل بیت در یک کلام آمده می‌باشد و این دلیلی بر اینکه امامان نیز معصومند.

ثانیاً: به دلیل اینکه خدا فرمود هر چه را رسول الله ﷺ برایتان آورد قبول کنید؛ **مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ**، و امام را پیامبر معرفی کرده است.

ثالثاً: دلیلی ندارد که افراد غیر معصوم قرین و همراه قرآن قرار بگیرند.

رابعاً: اینان افرادی خاصند که همطراز قرآن قرار گرفته‌اند و گرنه پیامبر ﷺ خدا بستگان دیگری داشت و نام آنان را در ردیف معصومان نیاورد.

خامساً: غیر معصوم نمی‌تواند راهنمای بشریت باشد چرا که اگر چنین بود امتیازی بر دیگران نداشتند و اگر رهبران جامعه خطا کنند بقیه به یقین خطا خواهند کرد. لذا خداوند در وصفشان فرموده است: **إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً**؛ خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.^۲

۱- (حشر ۷)

۲- (احزاب ۳۳)

﴿سؤال ۳۰﴾

می‌گویند: چرا شیعه در اذان اشهد أنّ علیاً ولی الله می‌گویند؟

می‌گوییم:

اولاً: در نظر شیعه این شهادت ثالثه نام دارد و جزء اذان نیست. اگر به عنوان جزئی از اذان گفته نشود چه مانعی دارد که این نام در کنار نام رسول الله ﷺ برده شود.

ثانیاً: غالب فقها بلکه قریب به اتفاقشان آن را جزء اذان نمی‌دانند.

ثالثاً: این بدلیل مظلومیت علی (علیه السلام) است که باید دلیل مظلومیت آن حضرت را از اربابان سقیفه نشین پرسید که چرا ولی الله و جانشین به حق رسول الله را کنار گذاشتند.

رابعاً: اگر این کار به نظرتان بدعت است چرا شما حیّ علی خیر العمل که جزء لاینفک اذان بود را به دستور خلیفه دوم حذف کردید و جمله‌ی الصلاة خیر من النّوم را به چه مجوزی به اذان اضافه کردید؟!.

خامساً: پیامبر ﷺ فرمود ذکر علی عبادت؛ ذکر و یاد و نام بردن از حضرت علی (علیه السلام) عبادت است. اذان گفتن نیز خود عبادت و ثواب دارد. به نظر فقهاء گفتن ذکر مستحبی ما بین نماز اشکال ندارد پس به طریق اولی ذکر نام علی (علیه السلام) که ثواب بر آن مترتب است در بین اذان که مقدمه برای نماز است اشکال ندارد.

سؤال ۳۱

می‌گویند: چرا جمعیت شیعه کم است؟

می‌گوییم:

اولاً: همیشه اکثریت دلیل حقانیت نیست. قرآن می‌فرماید: **وَ لَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ**^۱ اکثر آنان را سپاس‌گذار نخواهی یافت.

ثانیاً: اگر اکثریت ملاک باشد جمعیت کمونیست اکثریت هستند و در هندوستان یک میلیارد گاو پرست هستند.

ثالثاً: نسبت همه مسلمانان به منکران اسلام یک ششم است.

رابعاً: اکثریت مردم، شکرگذار نعمت‌های معنوی نیستند. **وَ قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ**^۲ اندکی از بندگان من سپاس‌گذارند.

خامساً: در یک زمانی در زیر این آسمان پهناور فقط یک نفر آن هم ابراهیم خلیل می‌گفت خدا و بقیه به پرستش‌های دیگر مشغول بودند. آیا می‌توان گفت حق با اکثریت است؟

سادساً: به ما گفته‌اند حق و باطل را بشناس و سپس اهل آن را بشناس. عقلاء حق و باطل را به شخصیت افراد یا جمعیت نمی‌شناسند.

سابعاً: اگر ترس و تبلیغات مسموم و سرزمین‌های وهابی نشین نباشند و سپس آمارگیری کنند آنگاه معلوم می‌شود که جمعیت شیعه حتی در مکه و مدینه نیز بیشتر است یا سنی؟

ثامناً: به کتبی از قبیل الذریعه الی تصانیف الشیعه و نیز کتاب اعیان الشیعه و کتاب

۱- (اعراف ۱۷)

۲- (سبا ۱۳)

تاریخ الشیعه سری بزید تا انسان‌های متشخص و عالمی را که از مفاخر شیعه‌اند را بشناسید.

تاسعاً: در طول تاریخ مظلوم تشیع، قدرت و ثروت‌ها در دست مخالفان شیعه بوده و اکنون نیز هست و طبیعی است که یکی از راه‌های ترویج یک مکتب مسائل مادی است!

عاشراً: خوب است اندکی در خصوص فرقه‌ها و حزب‌هایی که متاسفانه به اسم دین آن را رواج داده‌اند تحقیق کنید تا بدانید که نقش پول و سرمایه در ترویج آنها چه نقش مهمی ایفا کرده است.

احدی عشر: حضرت نوح ۹۵۰ سال تبلیغ کرد: **وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ**^۱. جز اندکی به او ایمان نیاوردند.

اثنی عشر: در زمان تمامی پیامبران مؤمنان در اقلیت بودند: **وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرِينَ**^۲.

ثالث عشر: پیروی از اکثریت منع شده: **وَإِنْ تُطِعْ أَكْثَرَ مَن فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ**^۳؛ و اگر از بیشتر افراد روی زمین اطاعت کنی، تو را از راه خداوند، منحرف و گمراه می‌کنند. زیرا آنان جز از گمان پیروی نمی‌کنند و آنان، جز به حدس و گمان نمی‌پردازند.

رابع عشر: به پیامبر فرمود: منتظر اکثریت نباشید: **وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ**^۴.

۱- (هود ۴۰)

۲- (سبا ۱۳)

۳- (انعام ۱۱۶)

۴- (یوسف ۱۰۳)

خامس عشر: حضرت علی (علیه السلام) در جواب شخصی فرمود: حق را بشناس سپس اهلش را.

با این همه دشمنی که با شیعه شده در عین حال مانده است و آن هم قوی و در حال پیشرفت که این دلیل معجزه‌ی الهی و دلیل حقانیت آن است.

سؤال ۳۲

می‌گویند چرا به در و دیوار حرم بزرگان تبرک می‌جوئید؟

می‌گوییم:

اولاً: تبرک جستن نه تنها در شیعه بلکه نه تنها در اسلام، که در طول تاریخ انبیاء پیشین رسم بوده و مشروع است. پیراهن یوسف (علیه السلام) به امر حضرتش به چشمان یعقوب (علیه السلام) نور داد. **فَارْتَدَّ بَصِيرًا**^۱ و بینا گردید.

ثانیاً: رسول الله (صلی الله علیه و آله) در هنگام طواف کعبه حجر الاسود را استلام کرده و می‌بوسید. عبدالله بن عمر گفت: رأیتُ رسولَ الله (صلی الله علیه و آله) **يَسْتَلِمُهُ وَ يُقَبِّلُهُ**.

ثالثاً: بسیاری از اصحاب پیامبر به لباس و بدن و آب وضوی پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) تبرک می‌جستند. «و إذا توضأ كادوا يقتتلون على وضوئه»^۲ هرگاه پیامبر وضو می‌گرفت مسلمانان بر سر تبرک جستن به آب وضوی آن حضرت دعوا و جدل داشتند.

رابعاً: شیعه هرگز در تبرک جوئی به اهل بیت (علیهم السلام) آن‌ها را جدای از خدا نمی‌داند و آنان را مخلوق پروردگار و به اذن خدا منشاء اثر می‌داند.

خامساً: ضریح بوسیدن شیعه و تبرک جستن به خاک اهل بیت عصمت (علیهم السلام) از باب عشق به آنان است همچون مجنون بر دیار لیلی که به دیوارهای محل او عشق می‌ورزد.

۱- (یوسف ۹۶)

۲- (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص: ۲۶)

﴿سؤال ۳۳﴾

می‌گویند: توسل شرک و بدعت است؟

می‌گوییم:

اولاً: بین خود و خدا برای قرب به خداوند تعیین وسیله سفارش خود قرآن است. **وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ**؛^۱ و به سوی او وسیله‌هایی انتخاب کنید.

ثانیاً: وسیله، همچنان که از نامش پیداست وسیله است و واسطه برای قرب به خداوند؛ **الْوَسِيلَةُ مَا يَتَقَرَّبُ بِهِ إِلَى الْغَيْرِ**.

ثالثاً: توسل اقسامی دارد از جمله این که انسان به اعمال خوب خودش توسل جوید و نیز به دعای بندگان شایسته خدا همانند درخواست فرزندان حضرت یعقوب علیه السلام که گفتند: **يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا**. آی پدر برای ما استغفار کن.

رابعاً: توسل به افراد و انسان‌های وارسته و مقرب درگاه خداوندی از مواردی است که در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله رسم بوده و موارد فراوانی را تاریخ نقل می‌کند از جمله اینکه احمد بن حنبل از عثمان بن حنیف روایت می‌کند که مرد نابینایی به محضر حضرت رسول صلی الله علیه و آله مشرف شد و گفت از خدا بخواه چشمم را بینا کند. حضرت فرمود اگر می‌خواهی دعا می‌کنم و اگر بر این وضعیت صبر کنی بهتر است. گفت: دعا کن حضرت چنین دعا کرد: «اللهم انی اسئلك و اتوجه الیک بنیک محمد نبی الرحمة یا محمد انی توجهت بک الی ربی فی حاجتی هذه لتقضى لی اللهم شفعه فی» «خداوند او را شفیع من گردان» حال چنین نتیجه گرفته

۱- (مائده ۳۵)

۲- (یوسف ۸)

می‌شود که نه در سند این روایت شک است و نه در شفا گرفتن شخص متقاضی و نتیجه چنین است که توسّل به رسول الله ﷺ اشکال ندارد.

خامساً: عمر بن خطاب در زمانی که باران نمی‌بارید به عباس عموی پیامبر متوسل می‌شد تا باران بیارد و می‌گفت این کار را در زمان پیامبر ﷺ به واسطه قرار دادن او انجام می‌دادیم و هم اکنون در غیاب آن حضرت به وسیله عباس انجام می‌دهیم.

سادساً: توسل در صدر اسلام آنقدر متداول بود که در قالب اشعار و قصّه‌ها نوشته‌اند.

سؤال ۳۴

می‌گویند: چرا شیعیان دیانت و سیاست را با هم قبول دارند؟

می‌گوییم:

اولاً: سیاست در تعریف به دو معناست یکی تزویر و خدعه است و یکی اداره امور اجتماعی مسلمانان.

ثانیاً: رسول خدا ﷺ از آغاز دعوتش بنا را بر تشکیل یک حکومت عبادی سیاسی گذاشت و تا اندازه‌ای که توانست آن را عملی نمود و زائران خانه خدا را نیز به حکومتی بر پایه دین دعوت می‌نمود.

ثالثاً: رسول خدا ﷺ در مدینه نیز پس از هجرت اقدام به تشکیل یک حکومت مقتدر دینی نمود و ارتشی تشکیل داد که در دوران رسالت، آن بزرگوار ۸۲ نبرد شرکت نمود و با تلاش فراوانی موانع حکومت دینی را از سر راه برداشت.

رابعاً: رسول خدا ﷺ نامه‌هایی به کسری امپراتور ایران و قیصر پادشاه روم و مقوقس پادشاه مصر آنها را به اسلام و حاکمیت اسلام دعوت نمود.^۱

خامساً: تشکیل حکومت در دوران خلفا به خصوص در سیره امیرمؤمنان (علیه السلام) برای شیعه و سنی روشن است و دانشمندان بر دو گروه مفصل به آن اشاره نموده‌اند. ابوالحسن ماوردی در کتاب احکام سلطانیّه می‌نویسد: الامامه موضوعه لخلافته النبوه فی هراسه الدین و سیاسه الدنیا... امامت و حکومت به منظور جانشینی و پی‌گیری نبوت قرار داده شده است تا موجب پاسداری از دین و سیاست و تدبیر امور دنیا گردد.^۲

۱- (مکاتب الرسول ج ۱ ص ۱۴۴)

۲- (الاحکام السلطانیه باب اول ص ۵)

❁ سؤال ۳۵ ❁

می‌گویند: چرا شیعه نمازهای واجب را در سه وعده می‌خوانند؟

می‌گوییم:

اولاً: تمامی فقها اسلامی اهل سنت در مورد این که در روز عرفه می‌توان نماز ظهر و عصر را با هم خواند اتفاق نظر دارند و نیز تمامی علماء دینی با هم خواندن نماز مغرب و عشاء در سرزمینی مزدلفه را بدون اشکال می‌دانند.

ثانیاً: خیلی‌ها از مالکی‌ها و شافعی‌ها جمع بین دو نماز مغرب و عشا و ظهر و عصر را در مسافرت جایز می‌دانند و نیز در بیماری و مواقع اضطرار هم صحیح می‌دانند.

ثالثاً: بسیاری از فقهاء شیعه هم این نمازهای پنجگانه را در پنج وعده می‌خوانند و تعصّبی در این کار نیست بلکه در سه وعده خواندن آن را یک نوع ارفاق و ترخیص از سوی شرع می‌دانند.

رابعاً: رهبر حنابله احمد حنبل در مسند از جابر بن زید نقل می‌کند که گفت: از ابن عباس شنیدم که گفت: هم نماز ظهر و عصر را با پیامبر صلی الله علیه و آله بودم که با هم خواند و هم نماز مغرب و عشاء را.

خامساً: مالک ابن انس نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله ظهر و عصر و مغرب و عشاء را با هم خواندند.

سادساً: وقتی در عرفه و مزدلفه و مواقع اضطرار و مریضی و در باران و در مسافرت و ... جایز است این چه تعجّبی است که در بقیه اوقات این چنین نباشد؟

سابعاً: شیعه برای نماز صبح و ظهر و مغرب و عشاء وقت خاصّ و وقت مشترک قائل است.

ثامناً: شیعه نماز را در وقت مشترک می‌خوانند تعصّبی هم ندارد که در ظهر و عصر بخوانند.

تاسعاً: اگر شارع مقدّس اجازه جمع داده چرا کاسه داغ‌تر از آس می‌شوید.

سؤال ۳۶

می‌گویند: اسلام دین خشونت است چرا؟

می‌گوییم:

اولاً: جنگ در اسلام بر دو قسم است: ۱- ابتدایی ۲- دفاعی و جنگ ابتدایی در اسلام ممنوع است: **لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ**^۱.
ثانیاً: جنگ با شرک بر اساس آیه: **وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ**^۲ است یعنی رأفت نسبت به بشریت است همچون جراحی عضو فاسد بدن.

ثالثاً: اینکه **لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ**^۳ آری در دین اکراهی نیست لذا ما با تمام متدینین به ادیان آسمانی زندگی می‌کنیم لکن شرک، دین نیست و بلکه یک خرافه است لذا با شرک مخالفیم و اسلام با بت‌پرستی به هر قیمتی مبارزه می‌کند زیرا شرک کاری ضد عقل است.

رابعاً: اینکه در آیه ۲ سوره توبه دستور جنگ با یهودیان و مسیحیان آمده به چند دلیل و شرط است ۱- **لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ** ۲- **وَ لَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ** ۳- **وَ لَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ**.

خامساً: در تاریخ اسلام به جنگ‌هایی برمی‌خوریم که عده‌ای از سران برای امیال نفسانی خود به نام اسلام جنگیدند و بعضاً پیروز شدند غنائم گرفتند مانند فتوحات بنی‌امیه که از رقیب دست پا بردند در حالی که مثله در اسلام حرام

۱. (بقره ۱۹۰)

۲- (انفال ۳۹)

۳- (بقره ۲۵۶)

است: خالد بن ولید دستور داد در جنگ ذات العیون چشمان رقبا را تیر بزنند در جنگ گرگان سعد بن عاص به عنوان فرمانده ارتش اسلام قول داد مردم را نکشد که مسلمان شوند و سپس همه را کشت.

سادساً: امروز افرادی به نام دین حضرت موسی علیه السلام یا حضرت عیسی علیه السلام میلیون ها نفر را می‌کشند آیا خوب است که گفته شود اینان پیروان عیسی و موسی هستند.

سابعاً: در روز فتح مکه که همه الیوم یوم المرحمه گفتند، رسول خدا صلی الله علیه و آله یوم المرحمه شعار داد. آنها گفتند روز تلافی است و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود روز رحمت است.

ثامناً: جنگ ابتدایی جز با دستور پیامبر یا امام معصوم معنا ندارد.

تاسعاً: جنگ تدافعی داریم «من قتل دون ما له و اهله فهو شهید» هر که در دفاع از مال و اهل و عیالش کشته شد شهید است.

عاشراً: جنگ‌های اسلام تماماً تدافعی بود و نام‌هایش دلیل آن است.

﴿سؤال ۳۷﴾

**می‌گویند: همه انبیاء و رهبران الهی در بین مردم
بوده‌اند امام زمان علیه السلام در غیبت چه فایده؟**

می‌گوییم:

اولاً: همه انبیا ظاهر نبودند حضرت موسی دو بار غیبت داشت، حضرت صالح غیبت طولانی داشت، ادريس به خاطر درگیری با طاغوت مخفی و در غیبت بسر می‌بردند.

ثانیاً: دلایل غیبت انبیاء همان است که درباره ائمه علیهم السلام تکرار شده است و همچنان که هر کدام دلیلی داشتند این مسئله هم دلیل خودش را دارد.

ثالثاً: همه این غیبت‌ها به امید بلوغ فکری و آمادگی مردم بوده است یکی از زمینه‌های ظهور، بالا رفتن سطح عقول بشر یعنی معرفت کامل نسبت به امامت است.

رابعاً: امام در غار کوهی بیگانه از مردم نیست. وجودش مؤثر است که وجود مبارکش را به خورشید پشت ابر تشبیه کرده‌اند.

خامساً: عدم ظهور را قبول داریم ولی عدم حضور نیست و در عدم ظهور ما مقصریم که فرموده‌اند و غیبت‌ه منا یعنی علت غیبتش ماییم.

سادساً: یکی از ده‌ها علل غیبت حضرت حفظ جان او برای بشریت است.

سابعاً: مردم یازده چراغ را شکستند خدا برای دوازدهمین چراغ حفاظ گذاشت تا هم رهگذر مردم تاریک نماند هم چراغ محفوظ بماند.

سؤال ۳۸

می‌گویند: که چرا شراب حرام است؟

می‌گوییم:

اولاً: در ادیان دیگر آسمانی نیز حرام است.

ثانیاً: در انجیل نیز شراب نهی شده.^۱

ثالثاً: نهی شراب در قرآن به طور مکرر صادر شده است. (سوره نحل آیه ۶۷ و سوره

بقره آیه ۲۱۹) (سوره نسا آیه ۴۳ و مائده آیه ۹۰)

رابعاً: حرمت و نهی از شراب به صورت تدریجی و مرحله‌ای انجام شده است.

خامساً: در ادیان قبلی هم از خوردن شراب منع شده بود ولی تدریجی تا آن که در

اسلام حرمت آن هم دفعی و هم تدریجی صادر شده.

سادساً: درباره عرب گفته‌اند عشق عرب جاهلی شعر و شراب و جنگ است و یقیناً

چنین روشی مطلوب و ادامه دانی نیست.

سابعاً: ضررهای فراوان اجتماعی مانند قتل‌ها و خیانت‌ها و خسارت‌های بدنی، اقتصادی

و اجتماعی و فرهنگی را به همراه دارد.

ابلیس شی‌ی رفت به بالین جوانی

آراسته با شکل مهیبی سر و بر را

گفتا که: منم مرگ و اگر خواهی زنهار
باید بگزینی تو یکی زین سه خطر را
یا آن پدر پیر خودت را بکشی زار
یا بشکنی از خواهر خود سینه و سر را
یا خود ز می ناب کشی یک دو سه ساغر
تا آن که بیوشم ز هلاک تو نظر را
لرزید ازین بیم جوان بر خود و جا داشت
کز مرگ فتد لرزه به تن ضیغم نر را
گفتا: پدر و خواهر من هر دو عزیزند
هرگز نکنم ترک ادب این دو نفر را
لیکن چو به می دفع شرّ از خویش توان کرد
می نوشم و با وی بکنم چاره‌ی شرّ را
جامی دو بنوشید و چو شد خیره ز مستی
هم خواهر خود را زد و هم کشت پدر را^۱

﴿سؤال ۳۹﴾

می گویند: زیارت قبور شرک است؟

می گوئیم:

اولاً: شرک برای شریک قرار دادن برای خدا است و به قبور ربطی ندارد.

ثانیاً: سیره‌ی گذشتگان از صالحان بوده است که قبر بسازند و احترام کنند.

ثالثاً: قبل از اسلام قبور انبیاء بنی اسرائیل همه صاحب بنا بوده‌اند.

رابعاً: حفظ آثار، حفظ اصالت‌ها است.

خامساً: ساختن قبر و حرم علامت مهر و محبت است.

سادساً: نماز کنار قبور هم به دستور قرآن است: **وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّیْنَ**^۱.

سابعاً: حضرت زهرا (علیها السلام) روزهای جمعه به زیارت قبر عمویش حمزه می‌رفت.^۲

ثامناً: حجر اسماعیل (علیه السلام) مدفن اولیاء است و همگان بر آنجا نماز می‌خوانند.

تاسعاً: محلّ مقام حضرت ابراهیم (علیه السلام) محلّ نماز است و شرک نیست.

۱- (بقره ۱۲)

۲- (سنن بیهقی ص ۷۸)

﴿سؤال ۴۰﴾

می‌گویند: شیعه در خاتمه نماز سه مرتبه

می‌گوید خان الامین چرا؟

می‌گوییم:

اولاً: بی‌تحقیق سخن گفتن کار انسان عاقل نیست.

ثانیاً: این مسئله مربوط به یهود است و ربطی به شیعه ندارد.

ثالثاً: یهود معتقد است جبرائیل خائن است زیرا او به جای اینکه وحی را در

خاندان اسحاق قرار دهد به خاندان اسماعیل یعنی پیامبر اسلام داد!

رابعاً: یهودیان به همین علت جبرئیل را فرشته عذاب می‌نامند!

خامساً: آنان به جای جبرئیل بی‌دلیل به میکائیل ارادت دارند!

سادساً: قرآن می‌گوید هر کس دشمن جبرئیل است دشمن خداست.

سابعاً: جبرئیل یک مامور بود و ماموریتش را انجام داد.^۱

ثامناً: در سیره شیعیان مشخص است که هرگز چنین چیزی نمی‌گویند و این

حرف از ریشه تهمت به شیعیان است.^۲

۱- (بقره ۹۷)

۲- (ر.ک. راهنمای حقیقت)

سؤال ۴۱

می‌گویند: چرا قائل به عصمت ائمه هستید؟

می‌گوییم:

اولاً: عصمت نوعی موهبت و لطف الهی است که خداوند بر اساس مصلحت با در نظر گرفتن لیاقت و ظرفیت به افراد خاصّ تَفویض و واگذار نموده است.

ثانیاً: خداوند متعال، رهبران بشر که از جنس بشرند را با لطف خود قدرتی داده است که در برابر گناه بتوانند خود و جامعه را از لغزش و خطا حفظ کنند.

ثالثاً: انسان‌ها می‌توانند با ریاضت شرعی و تهذیب نفس و ملزم کردن نفسشان به تکالیف الهی و استغفار و جبران حق الله و حق الناس، به مقام عصمت دست یابند.

رابعاً: در آیه تطهیر اراده تکوینی و قطعی خدا بر این تعلق گرفته که اهل بیت (علیهم‌السلام) از پلیدی‌ها میرا باشند.

خامساً: ائمه در حدیث ثقلین، عدل و هم طراز قرآن هستند و همچنان که قرآن پاک است ائمه نیز پاکند و گرنه در کنار قرآن قرار نمی‌گرفتند.

سادساً: قرآن تا لب حوض کوثر راهنما است و از حق عدول نمی‌کند پس همراه قرآن که عترتند هم چنین هستند

سابعاً: خدا به حکم تشریعی و قانونی خواسته است عده ای از رهبران دین معصوم باشند و تکویناً در وجودشان بیزاری از گناه را آفریده است. البته اختیار گناه از آنان گرفته نشده است.

ثامناً: نص قرآن است که عده‌ای از گناه دورند مصداق دیگری اگر دارید رو کنید: **إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيراً!** همانا خداوند اراده کرده است که پلیدی گناه را از شما اهل بیت پیامبر دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

سؤال ۴۲

می گویند: شیعه چرا قائل به علم غیب ائمه اند؟

می گوئیم:

اولاً: علم غیب ذاتی، مخصوص خداست و دیگران مقداری از آن را به اذن خدا از خدا می گیرند.

ثانیاً: اگر اراده خدا تعلق گرفت که عده ای را به مقداری از این علم آگاه سازد مانند دادن شماره رمزکیف شخصی به محارم چه عیبی دارد؟

ثالثاً: برخی آیات صریحاً بیان می کنند: **وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ وَ إِنْ تُوْمِنُوا وَ تَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ**^۱ و خدا بر آن نیست که شما را از غیب بیگانه کند، ولی برخی از پیامبرانش را که خود بخواهد برمی گزیند. پس به خدا و پیامبرانش ایمان بیاورید. و اگر ایمان بیاورید و پرهیزگاری کنید، اجر عظیم یابید.

رابعاً: پیامبرانی از غیب خبر داده اند مانند حضرت نوح عليه السلام^۲.

خامساً: حضرت یعقوب عليه السلام^۳ **إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْ لَا أَنْ تُقَنَّدُونَ**.^۳ اگر مرا تخطئه نکنید من بوی یوسف را می شنوم.

۱- (آل عمران ۱۷۹)

۲- (سوره نوح آیه ۲۶)

۳- (یوسف ۹۴)

سادساً: یوسف علیه السلام به هم‌زندانانش مژده آزادی داد،^۱ این هم اطلاع از آینده است.

سابعاً: حضرت خضر علیه السلام از سه جریان غیبی خبر داد^۲ این نیز دانستن علوم غیبی است ماجرای حضرت موسی علیه السلام و خضر در قرآن است.

ثامناً: حضرت عیسی علیه السلام از ذخیره‌ها می‌گفت.^۳

تاسعاً: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خبر شهادت حضرت علی علیه السلام را سال‌ها قبل از موعد آن بیان فرمودند.^۴

عاشراً: علی علیه السلام گفت: شهر بصره غرق می‌شود.^۵

حادی عشر: علی علیه السلام گفت: معاویه بر سرزمین عراق مسلط می‌شود.

۱- (سوره یوسف آیه ۴۱)

۲- (سوره کهف آیه ۶۰)

۳- (سوره ال عمران آیه ۴۹)

۴- (تاریخ بغداد ۱ ص ۱۴۵)

۵- (شرح حدیدی ص ۲۵۳)

سؤال ۴۳

می‌گویند: کلام قرآن درباره شفاعت تناقض دارد!؟

می‌گوییم:

دسته اول آیات، شفاعت را نفی می‌کند که آیات ۱۲۳ بقره و نیز ۴۸ همین سوره. اما قبل و بعد آیه را نیز باید دید این آیات نفی شفاعت در مقابل بت پرستانی است که می‌گفتند هولاء شفعاثنا این بت‌ها شفاعتمان می‌کنند.

دسته دوم آیات: شفاعت را مطلقا به خدا نسبت می‌دهند؛ **قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا**^۱. کل شفاعت از خداوند است

دسته سوم آیات: شفاعت منوط به اذن خدا می‌داند: **يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ**^۲. در روز قیامت شفاعتی بدون اذن خداوند نیست.

شفیعان کیانند؟ ۱- هر کس را خدا از گفتارش راضی است.^۲ ۲- پیامبران^۳
۳- ملائکه^۴ ۴- شهدا و مؤمنین^۵

۱- (زمر ۴۴)

۲- (طه ۱۰۹)

۳- (سوره انبیاء آیه ۲۸)

۴- (سوره نجم آیه ۲۶)

۵- (سوره بقره آیه ۱۴۳)

اما مشمولین شفاعت؟

- ۱- اهل نماز و اطعام^۱
- ۲- کسانی که قیامت را قبول دارند^۲
- ۳- اهل صفات نیکو^۳
- ۴- محبّان اهل بیت^۴ (علیهم‌السلام)

۱- (سوره مدثر آیه ۴۳ و ۴۴)

۲- (سوره مدثر آیه ۴۶)

۳- (حدیث محاسن صفحه ۱۸۴ از رسول خدا)

۴- (آل عمران ۳۱)

سؤال ۴۴

می‌گویند: چرا شیعه با وهابیت مخالف است؟

می‌گوییم:

- اولاً:** وهابیت یک دین نیست یک حزب سیاسی است و ربطی به دین ندارد.
- ثانیاً:** ریشه در سلیقه شخصی ابن تیمیه دارد ولی بعد تعطیل و مسکوت شد دوباره محمد بن عبدالوهاب با پول نفت سعودی‌های غاصب آن‌ها را زنده کرد.
- ثالثاً:** پدر و برادرش که از علماء بودند با او مخالفت کردند و او را از شهر بیرون کردند او وارد منطقه درعیه شد و با ابن سعود همکاری را شروع کرد.
- رابعاً:** هر کس از او پیروی نمی‌کرد او را کافر حربی می‌دانست!
- خامساً:** هر شهری را فتح کرد مال و ناموس آنان را بر سر بازانش حلال می‌کرد!
- سادساً:** امیر سعودی لشکری ۲۰ هزار نفری را به شهر کربلا برای غارت فرستاد چندین هزار نفر را کشت و کل اموال و طلالی حرم را غارت کرد.
- سابعاً:** وهابیت با مسجد کنار قبر و زیارت قبور و گریه و توسل و تبرع و شفاعت و قدرت غیبی اولیاء الله مخالف است!

سؤال ۴۵

می گویند: چرا شیعه به امام زمان معتقد است؟

می گوئیم:

اولاً: انتظار مصلح در تمامی ادیان و پس از هر پیامبری بوده است.
ثانیاً: تمام علماء می دانند که در شب نیمه شعبان ۲۵۵ هجری فرزندی متولد شد.

ثالثاً: همگان شنیده بودند که موعود آخر الزمان چه خواهد کرد لذا دولت‌ها وحشت کردند.

رابعاً: چون که بنای قتل او را داشتند او را در سامرا مخفی نگه می داشتند.

خامساً: تولد او را به حضرت موسی علیه السلام تشبیه کرده اند.

سادساً: حکیمه دختر امام جواد علیه السلام و عمّه امام عسکری علیه السلام ماجرای تولد او را نقل می کند.

سابعاً: به خاطر خباثت عباسیان کمتر کسی از مخفی گاه آن حضرت خبر داشت.

ثامناً: ابوغانم خادم گفت: من فرزند امام عسکری علیه السلام را دیدم.^۱

تاسعاً: امام عسکری علیه السلام فرزندش را به احمد بن اسحاق نشان داد و نامش که محمد است را گفت.^۲

عاشراً: گروه زیادی از علماء اهل سنت به این مسئله اقرار و تصریح دارند.

احدی شراً: امام باقر علیه السلام علت غیبت را به دلیل قصد دشمنان بر کشتن او

۱- (اثبات الهدی صفحه ۴۳۱)

۲- (بحار ۵۲ صفحه ۲۳)

فرمود.^۱

اثنی عشر: دلیل دیگرش امتحان انسان است.^۲

ثالث عشر: غیبت نمونه‌هایی هم دارد:

الف: موسی (علیه السلام):^۳ چهل روز از امت غایب شد.

ب: مسیح (علیه السلام):^۴ از این دشمنان پنهان شد و او را نکشتند.

ج: یونس: مدتی از امت غایب شد و سالم ماند.^۵

رابع عشر: مسئله متواتر را به این راحتی نمی‌شود انکار کرد.

خامس عشر: باید علوم و عقول مردم ظاهر شود و تا آن دست غیبی بیابد

می‌بایست جامعه آماده و امام شناس شود و احساس نیاز کند.

سادس عشر: ثمرات وجودی امام در زمان غیبت: پاسداری از آئین اسلام و

تربیت منتظران اوست زیرا امام چون خورشید در آسمان است و وظیفه منتظران

پایین آوردن او نیست تا او را ببینند بلکه باید خودشان را در معرض نور امام قرار

دهند تا فرج برای آنها محقق شود.

۱- (کمال الدین باب ۱۴ حدیث ۷)

۲- (بحار ۵۲ صفحه ۱۰۲)

۳- (سوره اعراف آیه ۱۴۲)

۴- (سوره نسا آیه ۱۵۸)

۵- (سوره صافات آیه ۱۴۰)

﴿سؤال ۴۶﴾

می گویند: طفل پنج ساله و هشت ساله چگونه امام می شود؟

می گوئیم:

اولاً: امامت در شیعه بسیار مهم بلکه جزء اصول دین است به خلاف عدّه‌ای که آن را جزء فروع دین معرفی کرده‌اند.

ثانیاً: امامت عهدی الهی است و به هرکسی که لیاقت دارد سپرده می شود: لا یَنَالُ عَهْدِی الظَّالِمِینَ^۱

ثالثاً: در تشیع عصمت شرط امامت است که در هرکسی پیدا نمی شود و نمونه‌های چندگانه قرآنی دارد:

الف: حضرت یحیی بن زکریا علیه السلام: یا یحیی خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَ آتِنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا،^۲ ای یحیی! کتاب خدا را با قدرت بگیر و ما در کودکی به او حکمت و نبوت دادیم.

ب: عیسی بن مریم علیها السلام: قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا، حضرت عیسی به سخن آمد و گفت: منم بنده‌ی خدا، او به من کتاب آسمانی داده و مرا پیامبر قرار داده است.^۳

۱- (بقره ۱۲۴)

۲- (مریم ۱۲)

۳- (مریم ۳۰)

- رابعاً:** دانشمندان می‌گویند برای رشد عقلی سنّ خاصی وجود ندارد.
- خامساً:** در آن دوران بزرگترین علماء که از شاگردان امام کاظم علیه السلام بودند این مسئله را به خوبی پذیرفتند و اگر حقّ نبود محال بود بپذیرند.
- سادساً:** اگر امام را اگر با دیگران مقایسه نکنیم تمام سوّالات جواب داده می‌شود.
- سابعاً:** علّت امامت کودک: ۱- امتحان مردم ۲- عدم اکتسابی بودن این مقام ۳- قاعده لطف و... است.

﴿سؤال ۴۷﴾

می‌گویند: اگر مسلمانان می‌خواستند با پیامبر ﷺ صحبت و نجوی کنند باید پول بدهند چرا؟!

می‌گوییم:

در آیه ۱۲ سوره مجادله که می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَتِكُمْ صَدَقَةً ذَٰلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ أَطْهَرُ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ**؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که می‌خواهید با رسول خدا نجوا کنید و سخنان درگوشی بگویید، قبل از آن صدقه‌ای در راه خدا بدهید این برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است و اگر توانایی نداشته باشید، خداوند غفور و رحیم است!

عده‌ای از اعیان مکه می‌آمدند با پیامبر نجوی می‌کردند که وقت پیامبر ﷺ را می‌گرفتند و همین امر را دلیل برتری خود می‌کردند و با نزول این آیه، این رفتار برچیده شد. از طرفی این کار یک آزمونی برای اغنیاء بود که رها کردند! و دیگر مزاحم حضرت نشدند!

غالب مفسران شیعه و اهل سنت نوشته‌اند: تنها کسی که به این آیه عمل کرد امیرمؤمنان حضرت علی (علیه السلام) بود.

﴿سؤال ۴۸﴾

می‌گویند: آیه ۵۰ سوره احزاب می‌گوید
پیامبر می‌تواند زانی بدون مهریه بگیرد؟!

می‌گوییم:

اولاً: این خواسته بعضی زنان بود که جهت مفتخر شدن به همسری پیامبر صلی الله علیه و آله بدون مهریه باشند.

ثانیاً: این ازدواج‌ها باعث جذب قبایل مختلف به دین اسلام می‌شد.

ثالثاً: این آیه فقط یک اجازه بود که می‌فرماید: «و هر گاه زن با ایمانی خود را به پیامبر صلی الله علیه و آله ببخشد و مهری برای خود نخواهد چنانچه پیامبر بخواد می‌تواند او را به همسری برگزیند». برخی از مفسران معتقدند که پیامبر صلی الله علیه و آله با هیچ زنی به این کیفیت ازدواج نکرد، و این فقط یک اجازه کلی برای پیامبر صلی الله علیه و آله بود که هرگز مورد استفاده قرار نگرفت.

رابعاً: برخی از این پیشنهادکنندگان در حد خواندن عقد بود و برخی در حد خواستگاری، و این مایه مباهات و تفاخر قبیله‌ای بود.

خامساً: پیامبر با این همه ازدواج که فلسفه و علتش گذشت بسیار فرزندان کمی داشت که این خود دلیلی بر مادی نبودن وصلت دارد.

سؤال ۴۹

می‌گویند: جان همه باید فدای پیامبر شود چرا؟!

می‌گوییم:

اولاً: زیرا جان پیامبر ﷺ خود عالمی است که خدا در آیه ۱۲۰ سوره توبه می - فرماید: «مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ؛ سزاوار نیست اهل مدینه و بادیه نشین‌ها از حفظ جان پیامبر چشم بیوشند حفظ جان پیامبر از حفظ جان مردم عادی بالاتر است.»

ثانیاً: حفظ جان او یک آرمان است.

ثالثاً: حفظ جان او حفظ جان بشریت است. در عربی در تعریف از کسی که شعاع وجودی او وسیع است می‌گویند: واحد کالآلف یعنی یکی ولی همچون هزار نفر، رسول خدا ﷺ شخصی نبود بلکه شخصیت و واحد کالآلف بود.

رابعاً: حفاظت از فرمانده یک اصل مورد قبول همگانی است.

خامساً: مسلمانان باید در راه عقیده آماده تحمل هر نوع سختی باشند.

سؤال ۵۰ ❁

می گویند: محلّ استقرار خدا کجاست؟
بر روی عرش است و یا نزدیک رگ گردن؟!

می گوئیم:

آیات قرآن یا محکم و یا متشابه هستند. آیات محکم مانند قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ -
لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ - لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ - و...

آیات متشابه به محمل های زیادی نیاز دارند مانند يَدِ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ که يَدِ اللَّهِ
کنایه از قدرت خداست. اینکه می گوید: ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ، کنایه از احاطه خدا
بر علم و نیت انسان ها است.

مثل ها و واژه های قرآنی بعضاً کنائی هستند همانند عرش که به معنی تخت
سلاطین است و مظهر احاطه ی خدا بر تمامی عالم است.

همه اینها کنایه از وجود خداوند در همه عالم هستی و احاطه و قدرت او بر همه
ملک و ملکوت است و از آنچه انسان فکر می کند خداوند به مخلوقات خودش
نزدیک تر است و هیچ چیز از محضر خداوند متعال پنهان نیست. لذا قرآن برای
رساندن این مفاهیم عالی و جامع، متناسب با فکر بشر، تعبیری مثل تخت و
دست و رگ گردن و... را به کار می برد.

سؤال ۵۱

می‌گویند: حضرت آدم اگر گناهی نمی‌کرد چه می‌شد؟

می‌گوییم:

اولاً: پیامبران خدا گناه نمی‌کند و همه آنان دارای مقام عصمت هستند.

ثانیاً: آنچه حضرت آدم انجام داد ترک اولی بود و حضرت از همان ترک اولی هم توبه کردند.

ثالثاً: اگر خدای تعالی او را چند روزی در بهشت منزل داد، برای این بود که حضرت امتحان خود را بدهد. اما منظور اصلی از خلقت آدم سکونت در زمین بوده و راه زمینی شدن آدم همین بوده که نخست در بهشت منزل گیرد، و برتریش بر ملائکه، و لیاقتش برای خلافت الهی اثبات شود.

رابعاً: این که می‌گویند "پدرم روضه‌ی رضوان به دو گندم بفروخت نا خلف باشم اگر من به جوی نفروشم" شعر است و سندی نمی‌شود.

خامساً: ترک اولی کردن او سبب گناه دیگران نمی‌شود.

سادساً: چرا ما به ترک اولی گیر داده‌ایم و از انجام تکالیف واجمان و استغفار گناهانمان غافل هستیم!.

سؤال ۵۲

می‌گویند: گناه کوتاه مدّت و عذاب همیشگی است چرا؟

می‌گوییم:

اولاً: تمام مجازات ابدی مال کسانی است که تمام روزنه‌های نجات را به روی خود می‌بندند.^۱

ثانیاً: مجازات گناه را به اندازه زمان گناه تصوّر کردن کار غلطی است.

ثالثاً: در دنیا قتل در یک لحظه و زندان ابدی است.

رابعاً: عذاب، مجازات اعمال خود ماست: **وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ**.^۲

خامساً: آنچه مسلم است از سوی خدا ظلمی نیست: **فَأَلْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئاً**.^۳

سادساً: نتیجه‌ی عمل انسان در روز قیامت آشکار می‌شود؛ **وَبَدَأَ لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا**.^۴

سابعاً: با یک لحظه تصادف یک عمر با پای شکسته‌ایم.

ثامناً: این جهان کوه است و فعل ما ندا.

۱- (سوره بقره آیه ۸۱)

۲- (یس ۵۴)

۳- همان

۴- (جاثیه ۳۳)

سؤال ۵۳

می گویند: ارتباط مردان و زنان چرا آزاد نیست
تا اینکه عادی شود؟!

می گوئیم:

اولاً: هدف ادیان الهی پنج چیز است: ۱- حفظ جان ۲- حفظ عقل ۳- حفظ دین ۴- حفظ مال ۵- حفظ ناموس.

ثانیاً: در تورات هم آمده است که نزدیک زنا نشوید!

ثالثاً: زنا هرج و مرج در زندگی، عدم علاقه به ازدواج، فرزندان بی هویت، طلاق و جدائی را به دنبال دارد.

رابعاً: ارتباط نامشروع شیوع بیماری ها را در پی دارد.

خامساً: انواع درگیری ها و کشمکش ها را پی دارد.

سادساً: برای کامجویی لحظه ای از معشوقه ای گاهی آدم کشی ها شده است.

سابعاً: این که می گویند اگر انسان آزاد باشد عطش شهوتش فروکش می کند اندیشمندان به شدت رد می کنند و عمل غرب و نابسامانی خانوادگی هم دلیل دیگری بر بطلان آن است.

ثامناً: قریب به اتفاق سقط جنین‌ها و عواقب بعد آن از تبعات ارتباطات نامشروع است.

تاسعاً: بدترین کارهای جنائی توسط حرامزادگان تاریخ انجام گرفته است مانند:

الف: قاتل حضرت یحیی پیامبر

ب: حجاج بن یوسف ثقفی قاتل مشهور جهان

عاشراً: بر اساس روایات کثرت زنا باعث کوتاهی عمر، قطع روزی، مرگ‌های

ناگهانی، زوال ایمان و عذاب قیامت می‌شود.

احدی عشر: در مسئله غرائز، انسان به طرف افراط و تفریط رفته عدّه‌ای

همچون راهبه می‌پرورند و جمعی همچون اروپائیان آزاد و بی‌قید و بندند! ولی

اسلام روش اعتدالی دارد.

اثنی عشر: اگر ولنگاری‌ها مجاز شود به دلیل اینکه انسان فزون طلب است به

کم بسنده نمی‌کند و گرفتار می‌شود و وقتی که شهوت غلبه کرد آفت تحصیلی و

کاری و علمی در جامعه حاکم می‌شود.

سؤال ۵۴

می‌گویند: مگر می‌شود اصحاب کهف ۳۰۹ سال در خواب باشند در حالی که طبق محاسبه در این چند سال بیش از یکصد تن غذا و یکصد هزار لیتر آب نیاز داشته‌اند؟!

می‌گوییم:

اولاً: طول عمر از نظر علمی میزان ثابتی نداشته و ندارد. **ثانیاً:** تا کنون از طریق آزمایش‌ها عمر انسان را تا ۱۲ برابر رسانده‌اند و بیشتر هم مقدور است.

ثالثاً: اینکه مردم از طول عمر آنها تعجب می‌کنند دلیلش کوتاه بودن عمر بشر امروز با تقصیر خود بشر است.

رابعاً: آرامش روحی باعث افزایش عمر می‌شود. (مانند مردان خدا)

خامساً: در مقایسه آمار: طول عمر مذهبی‌ها در اروپا مثلاً روحانیون و پزشکان دو برابر است.

سادساً: تغذیه سالم: طول عمر ملکه زنبور عسل ۴۰۰ برابر زنبوران دیگر است!

زیرا در تمام عمرش از ژله‌ای استفاده می‌کند که کارگران برایش فراهم می‌کنند.

سابعاً: در بعضی خواب‌ها سوخت و ساز بدن به نزدیک صفر می‌رسد مانند اینکه در زمستان برخی موجودات وقتی به خواب می‌روند ضربان قلب آنها به کمتر از تعداد انگشتان دست در دقیقه می‌رسد.

سؤال ۵۵

می‌گویند: اسلام دین خشونت است!

می‌گوییم: اسلام به پیامبرش چهار دستور می‌دهد:

- ۱- صبر کن: **فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ**؛^۱ بر آنچه می‌گویند صبر کن.
- ۲- ببخش: **فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا**؛^۲ عفو کن و با آنها مدارا کن.
- ۳- خونشان را نریز: **كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ**؛^۳ از کشتن شان دست نگهدار.
- ۴- جهادکن (این دستور زمانی صادر شد که مشرکین عده‌ای از مسلمین را کشتند): **وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ نَفَقْتُمُوهُمْ**؛^۴ و آنانی که از کفر و شرک وستم باز نمی‌ایستند هر جا دیدید بکشید.
- ۵- حکم مقابله به مثل هم عقلی و هم شرعی است و مخصوص آیین اسلام هم نیست و خشونت به حساب نمی‌آید.

۱ - (سوره طه آیه ۱۳۰)

۲ - (سوره بقره آیه ۱۰۹)

۳ - (سوره نسا آیه ۷۷)

۴ - (سوره بقره آیه ۱۹۱)

سؤال ۵۶

می‌گویند معراج خرافه است زیرا: برای خروج از جو و جاذبه زمین سرعتی بیش از چهل هزار کیلومتر در ساعت لازم است! و خارج از جو زمین هوایی وجود ندارد! در خارج از جو اشعه‌های مانند بنفش ایکس و اشعه کیهانی خطرناکند!؟

می‌گوییم:

اولاً: معجزه است و معجزه از محالات نیست ولی بقیّه عاجزند.

ثانیاً: اینها غیر ممکن نیست زیرا بشر توانسته است با ساختن سفینه‌های فضائی همین مسیر را برود و با لباس مخصوص از اشعه‌های مزبور رها شود و با تمرین-ها با بی‌وزنی مبارزه کند آیا خالق بشر نمی‌تواند!؟

ثالثاً: در کارهای خدا کار فوق عقل داریم اما چیزی که ضد عقل باشد نداریم.

رابعاً: ما بسیاری از چیزهایی را پذیرفته ایم که تعبدی آنها قبول کرده‌ایم و با عقل معیوب ما انطباقی ندارد که یقیناً بعداً به حکمتش پی خواهیم برد.

خامساً: مگر همه چیز باید با علم ناچیز ما منطبق باشد؟ بسیاری از موارد با علم ناقص بشر تا امروز منطبق نبوده و اکنون منطبق شده است.

سادساً: فلسفه برخی از احکام تا امروز ثابت شده و بقیه آنها در آینده و با پیشرفت علوم روشن خواهد شد زیرا گفته‌اند زمان قرآن را تفسیر می‌کند.

سؤال ۵۷

می‌گویند اسلام برای اعراب مکه و اطراف آن است چرا؟

می‌گوییم:

اولاً: پیامبر از مکه و حتی از اقوام خودش شروع کرد ولی بعد به همه جا گسترش داد.

ثانیاً: چهار مرحله تبلیغ پیامبر غیر از آن را ثابت می‌کند.

- ۱- خانواده: **وَ أَمْرُ أَهْلِكَ بِالصَّلَاةِ وَ اصْطَبِرْ عَلَيْهَا**؛^۱ خانواده‌ات را امر به نماز کن.
- ۲- خویشان: **وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ**؛^۲ عشیره و فامیلت را بترسان.
- ۳- مکه و اطراف: **لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى**؛^۳ اطراف مکه و خود مکه را انذار کن.
- ۴- همه جهانیان: **لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا**؛^۴ همه عالم را از نافرمانی خدا بترسان.
- ۵- سیره پیامبر ﷺ و نامه‌های آن حضرت به سران دنیا دلیل جهانی بودن خطابات قرآن **يا ايها الناس - يا ايها الذين آمنوا...** است.

۱ - (سوره طه آیه ۱۳۲)

۲ - (سوره شعرا آیه ۲۱۴)

۳ - (سوره شوری آیه ۷)

۴ - (سوره فرقان آیه اول)

﴿سؤال ۵۸﴾

می‌گویند: حضرت یعقوب علیه السلام در فراق یوسف بهترین کار را صبر می‌داند
پس چرا این همه گریه؟

می‌گوییم:

اولاً: صبر با گریه منافاتی ندارد یعنی می‌توان صبور بود و در پیشگاه خدا گریه کرد.

ثانیاً: عده‌ای در مصیبت، عجزولانه تصمیم می‌گیرند و عده‌ای صبورند و گریه حق طبیعی انسان صبور است.

ثالثاً: گریه یعقوب یادمانی برای یوسف بزرگ بود و عظمت و اهمیت یوسف علیه السلام را می‌رساند.

رابعاً: گریه یادآور ظلم بزرگی است که به یوسف شده بود!

خامساً: گریه یعقوب علیه السلام همچون گریه ما بر امام حسین علیه السلام است یعنی هم عاطفی و هم خود مبارزه‌ای علیه ظلم است.

سادساً: امام سجاد علیه السلام فرمود: پدرم را با قتل صبر کشتند: انا بن من قتل صبیرا
آیا این چنین مصیبتی گریه ندارد؟

سؤال ۵۹

می‌گویند: شیعه چرا درباره اهل بیت غلو می‌کند؟

می‌گوییم:

اولاً: دستور خداوند است که **يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ**؛ ای اهل کتاب در دینتان غلو و زیاده‌گویی نکنید.

ثانیاً: شیعه گوشش به رهبران دین است هر چه را جایز دانست به آن عمل می‌کند زیرا آن را حق می‌داند و آنان غلو را جایز نمی‌دانند.

ثالثاً: امیرمؤمنان (علیه السلام) ما را اُمَّت و وسط معرفی کرده است یعنی اهل افراط و تفریط نیستیم.

رابعاً: غلو آن است که امام را از مرتبه عبودیت فراتر بداند و شیعه چنین نیست.

خامساً: شیعه امامان خود را نُمیت و نُحیی و خالق و حتی شفا بخش به غیر اذن خدا نمی‌داند.

سادساً: امام رضا (علیه السلام) از کسانی که خلقت و رزق را مستقیماً نسبت به ائمه داده بودند به شدت اظهار بیزارى کرد و به خدا پناه برد.

سؤال ۶۰

می‌گویند: چرا حق طلاق با مرد است؟

می‌گوییم:

اولاً: همه جا حق طلاق با مرد نیست.

ثانیاً: رسم است در قباله‌ها هنگام عقد، حق طلاق را گاهی زن برای خود می‌گیرد پس الزامی و اجباری نیست.

ثالثاً: قاضی در شرایط ندادن نفقه، سوء رفتار، محکومیت به زندان بیش از ۵ سال حق طلاق را به زن می‌دهد.

رابعاً: طلاق مبعوض‌ترین حلال خداست.

خامساً: مرد بیشترین زحمت زندگی را می‌کشد و دیرتر حاضر به طلاق می‌شود.
سادساً: زنان در احساسات افراطی خود شاید از این حق سوء استفاده کنند و آمار طلاق‌ها زیاد شود.

سابعاً: لوئیس فرانکل می‌گوید: اگر حق طلاق به دست زنان بود آمار طلاق خیلی بیشتر از این بود.

ثامناً: آمار درخواست زنان برای طلاق ۸۰ درصد و مردان ۲۰ درصد است.

تاسعاً: توقعات نامحدود زنان، تجمل پرستی و اسراف، دخالت‌های بی‌جا، عدم تناسب فرهنگ‌ها، بی‌اعتنایی‌های زوجین همه و همه از علل طلاق در زنان است.

سؤال ۶۱

می‌گویند: چرا حضرت علی (علیه السلام) نام فرزندانش را
عمر و ابوبکر قرار داد؟

می‌گوییم:

اولاً: در عرب چند نوع عنوان وجود داشت اسم، لقب، کنیه.

ثانیاً: اسم را نوعاً والدین به فرزند می‌دهند ولی کنیه و لقب را دیگران.

ثالثاً: ابوبکر کنیه است و در اختیار دیگران است.

رابعاً: احتمالاً حضرت برای حفظ وحدت این اسامی را گذاشته‌اند!!

خامساً: عمر در حکومتش برای بسیاری از بچه‌ها این کار نامگذاری را می‌کرد!

سادساً: عمر نام‌های دیگران را نیز عوض می‌کرد و نام خودش را می‌گذاشت!!!

و گاهی هم نام دیگری می‌گذاشت مثل عبدالرحمن.

سابعاً: اینکه چرا جلو او را نمی‌گرفتند ترس از اخلاق تند او بود کسی گفت دو

سال طول کشید که می‌خواستیم سؤالم را از عمر بپرسم و از ترس نمی‌توانستم!!^۱

ثامناً: نام عثمان نیز نام مشهوری بود و قبل از خلیفه سوم هم رایج بود.

سؤال ۶۲

می گویند: علی (علیه السلام) با خلفا خوب بود شما چرا نیستید؟

می گوئیم:

اولاً: باید پرسید که رفتار حضرت علی (علیه السلام) برای به رسمیت شناختن خلافت و یا همکاری است؟ مسلماً جواب منفی است یعنی به رسمیت شناختنی در کار نیست.

ثانیاً: علی (علیه السلام) کجا می تواند در حالی که خود خلیفه رسمی پیامبر است کسی را به این مقام بپذیرد.

ثالثاً: خلافت حکم خداست که نمی تواند کسی غیر از خدا تغییرش دهد. **وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِ.** رابعاً: امامت یک منصب شخصی نیست که نخواهد بپذیرد دیگر این که چون نتواند پس سکوت کند.

خامساً: علی (علیه السلام) در جواب نامه گستاخانه معاویه نوشت به خدا برای یک مسلمان ننگ نیست که مظلوم واقع شود.

سادساً: علی و فاطمه (علیها السلام) بیعت نکردند بعد از فاطمه از علی بیعت زوری گرفتند.

سابعاً: در نامه ها و مباحثه ها همیشه علی (علیه السلام) از حق مسلم خود دفاع کرد لکن آن را غصب کردند و ندادند.

﴿سؤال ۶۳﴾

می‌گویند: چرا زنان از برخی مناصب مانند نبوت، امامت و مرجعیت محرومند؟

می‌گوییم:

اولاً: در اینکه تکلیف کمتری به کسی بدهند جای گله نیست مانند اینکه به کسی بگویند ۴۰ کیلو بار را و به کسی بگویند ۲۰ کیلو بار را تحمل کن.

ثانیاً: در حق تبعیض وجود دارد ولی در تکلیف نه.

ثالثاً: اسلام زحمتی را از دوش زنان برداشته نه اینکه تبعیض قرار داده باشد.

رابعاً: کمالات نوعاً مربوط به روح است و روح، مرد و زن ندارد **إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ**،^۱

خامساً: مقام والای ولی الهی مربوط به کمالات روح است هم علی علیه السلام دارد و هم فاطمه علیها السلام.

سادساً: مقام نبوت یک موقعیت تبلیغی اجرائی و سخت است باید پای دردِ دلِ همه بنشینند باید یقه بعضی را بگیرد باید در دفاع شرکت کند و... خدا فرمود: **وَضَعْنَا عَنْكَ وِزْرَكَ**،^۲

سابعاً: علی علیه السلام فرمود: **المرأة ریحانه لیست بقهرمانه** در جایی دیگری می‌فرماید: **لا تحمِلو النساء اثقالکم؛ کارهای بزرگ و سنگین را بر زنان تحمیل نکنید**.^۳

۱- (حجرات ۱۳)

۲- (الشرح ۲)

۳- (بحار جلد ۳۹ صفحه ۱)

ثامناً: روانشناسان نیز این کارهای سنگین را برای زنان منع می‌کنند.^۱

تاسعاً: منصب مرجعیت نیز همچون نبوت تکلیف است نه حق و ازکارهای اجرائی است.

عاشرأ: منصب قضاوت به قول روایت ذبح خویش باکارد است!

﴿سؤال ۶۴﴾

می‌گویند: زنان پیامبر ﷺ باید فدای آسایش

پیامبر ﷺ شوند چرا؟

می‌گوییم:

اولاً: در طول تاریخ همیشه مخالفت با شیعه‌ها از طریق خانواده‌ها بوده است.
ثانیاً: خداوند به همسران پیامبر ﷺ دستور ساده زیستی می‌دهد و این فدا شدن نیست.

ثالثاً: در آیه ۲۸ سوره احزاب که مورد سؤال اشکال‌کنندگان است خدا به پیامبرش می‌گوید به همسرانت بگو از زرق و برق‌ها دست بردارند این هم فدا شدن نیست.

رابعاً: بعد از هر غزوه‌ای که رسول خدا ﷺ پیروز می‌شد همسرانش درخواست‌های داشتند از جمله: زینب پارچه یمنی می‌خواست و امّ سلمه خدمتکار و جامه مصری و سوده گلیم خیبری!! و بعضاً با خشونت تهدید کردند که گمان کرده‌ای اگر ما را طلاق دهی همسرانی برای ما پیدا نمی‌شود؟! تسلیم شدن در مقابل خواسته‌ها هم پایانی ندارد! لذا پیامبر از خانواده خواسته که قانع باشند آیا این جرم است؟!!

سؤال ۶۵

می گویند: در قرآن احترام به والدین آمده ولی به فرزندان نه چرا؟

می گوئیم:

دلایل حرمت به پدر و مادر از این قرار است:

اولاً: شکر منعم واجب عقلی است.

ثانیاً: حرمت‌ها که شکست، انسان رغبت به پدر بودن ندارد و کم کم نسل بشر رو به انقراض می‌رود.

ثالثاً: اگر در جامعه کوچک خانواده، حرمت‌ها نگهداشته نشود در کل جامعه نیز نگهداشته نمی‌شود.

رابعاً: در قرآن بعد از توحید احترام والدین آمده زیرا لطف والدین همانند لطف خدا یقینی است. من نکردم خلق تا سودی کنم بلکه تا بر بندگان جودی کنم

خامساً: فرزند پاره تن والدین است ولی به عکس نیست! والدین می‌خواهند با فرزندان باشند ولی فرزندان نه!!

سادساً: والدین به طور طبیعی فرزندان‌شان را دوست دارند لذا نیازی به سفارش نیست!

سابعاً: دستور احترام به والدین را در کشورهای اسلامی نگهداشته‌اند ولی در غرب غالباً چنین نیست و لذا از هم گسیختگی در میان خانواده در آن دیار بیشتر به چشم می‌خورد.

سؤال ۶۶

می‌گویند: بدها به معنی جهل خداست

و شیعه به آن معتقد است چرا؟

می‌گوییم:

اولاً: بعضی بی تحقیق فقط برای تخریب شیعه سخن می‌گویند.

ثانیاً: بدها به معنای ظاهر شدن پس از مخفی بودن است.^۱

ثالثاً: در حقیقت بدها به معنی آشکار کردن است نه آشکار شدن.

رابعاً: استعمالات مجازی در لسان عرب شایع است مانند بل یداه مبسوطتان.^۲

خامساً: علم خدا بر دو نوع است علم به علل ناقصه که در لوح محو و اثبات موجود است و علم به علل تامه که در لوح امّ الکتاب و لوح محفوظ است. بنابراین حوادث دو حالت دارند: ۱- قطعی که تعبیر به ام الکتاب شده ۲- غیر قطعی که قابل تغییر است.^۳

سادساً: نمونه‌های بدها در داستان‌های قرآنی فراوانی است مانند: داستان حضرت یونس علیه السلام، حضرت ابراهیم علیه السلام و ذبح اسماعیل علیه السلام، حضرت عیسی علیه السلام از مرگ عروس خبر داد ولی سالم ماند معلوم شد صدقه داده است.

۱- (سوره زمر آیه ۴۸)

۲- (سوره مائده آیه ۶۴)

۳- (سوره رعد آیه ۳۹)

سابعاً: فایده بدا چند چیز است: ۱- تشویق انسان‌ها به کارهای نیک ۲- وادار کردن انسان به اجتناب از بدی‌ها مانند: بی‌احترامی به والدین که عمر را کوتاه می‌کند.

ثامناً: اهل سنت هم بر خلاف گفته‌هایشان با بدا میانه خوبی دارند.^۱

۱- (فخر رازی تفسیر سوره رعد آیه ۳۹)

سؤال ۶۷

می‌گویند: حکم قصاص غیر عاطفی، قدیمی،
مقابله به مثل با یک روانی است چرا؟

می‌گوییم:

اولاً: حکم اسلام بر اساس مصلحت کل جامعه و از سوی خداوند حکیم است.
ثانیاً: قبل از اسلام به جای یک نفر یک قبیله را می‌کشتند! و این حکم اسلام از آن خونریزی جلوگیری کرد.
ثالثاً: اسلام فرد روانی را قصاص نمی‌کند بلکه حکم قصاص مربوط به شخص بالغ عاقل عامد است.
رابعاً: اسلام اولیاء دم را به سه حکم مخیر می‌کند؛ قصاص، عفو، خون بها و اگر آن دو مورد را نپذیرفتند حکم قصاص جاری می‌شود.
خامساً: قصاص جامعه با دیه است و از روی عقده نیست.
سادساً: مقدار زیادی از حق قصاص مربوط به صاحب حق است و اوست که می‌تواند از حَقّش بگذرد و یا آن را اجرا کند.

﴿سؤال ۶۸﴾

می گویند: قرآن وعده دروغ داده که:

لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ^۱.

می گوئیم:

اولاً: برکات دارای معنای وسیعی از قبیل امنیت، آسایش، سلامت، مال و اولاد است.
ثانیاً: رفاه اجتماعی کاذب دلیل برکت نیست که می گویند در غرب هست و در جوامع اسلامی نیست.

ثالثاً: در جهان غرب شاید در بعضی موارد آسایش باشد ولی آرامش نیست و هر ثانیه یک قتل اتفاق می افتد.

رابعاً: در جوامع غرب سالیانه صدها میلیارد دلار خرج جنگ می شود!.

خامساً: در نیویورک به ظاهر متممّن در یک دقیقه قطع برق، دهها هزار مغازه غارت شد! و سه هزار غارتگر توسط پلیس در همان حادثه دستگیر شدند!

سادساً: اگر برکات همان برکات مادی بود ثلثی از مردم آمریکا مبتلا به نوعی مرض روانی نمی بودند.

ثامناً: جوامع مؤمن فقیر را باید با رعایت تمام دستورات دین، دینی دانست! وگرنه اگر مؤمن واقعی بودند به فقر مبتلا نبودند.

تاسعاً: الاسلام شیء و المسلمون شیء آخر یعنی امروز در عمل، اسلام چیزی است و مسلمانان چیزی دیگرند به عبارت دیگر همانا مسلمان وجود دارد ولی به دستورات اسلام عمل نمی شود.

سؤال ۶۹

می‌گویند: خدا با یک چشم به هم زدن خلق می‌کند چگونه؟

می‌گوییم:

اولاً: این به خاطر عظمت خالق در خلقت است که باید مردم بدانند که خالق عالم از قدرتی ما فوق تصور ما برخوردار است.

ثانیاً: اگر با چشم به هم زدن خلق می‌شد قدرتش معلوم نبود! زیرا چشم بر هم زدن یک زمانی لازم دارد و خدا برای خلقت زمان نمی‌خواهد بلکه اراده می‌کند.

ثالثاً: منظور از یوم صبح تا شب نیست به دلیل: الدهر یومان یوم لک و یوم علیک؛ روزگار دو روز است روزی به نفع تو و روزی به ضرر تو که معلوم میشود منظور از دو روز یعنی دو مرحله از زمان.

پس خداوند برای خلقتش اراده می‌کند و می‌گوید کُن. که مفسرین می‌گویند همان گفتن کُن هم لازم نیست بلکه اذا اراد الله بشئ فیکون چون اراده او به چیزی تعلق بگیرد آن چیز به وجود می‌آید.

سؤال ۷۰

می گویند: یوسف علیه السلام نسبت دروغ به بنیامین داد چرا؟

می گوئیم:

اولاً: حُسْن و قُبْح فعل به نتیجه اش بستگی دارد: لا كِذْبَ عَلَى الْمُصْلِحِ یعنی دروغ مصلحتی و اصلاح کننده امور مؤمنین مانعی ندارد.

ثانیاً: گفته اند: الکلمه علی ثلاثه اقسام صِدْقٌ و كِذْبٌ و إِصْلَاحٌ بَيْنَ النَّاسِ کلمه سه وجه دارد: راست و دروغ و اصلاح بین دو نفر.

ثالثاً: دروغ در اصلاح ذات البین مانعی ندارد که همان دروغ مصلحتی است.

رابعاً: با خود بنیامین از قبل هماهنگ شده بود و او با این کار رضایت داده بود.

خامساً: نظر به رسمی که در شهر و دیار خود بنیامین بود راه نجات دادن او و ماندنش نزد عزیز مصر این راه بود و غیر از این راه علاجی نبود که در قدیم این رسم در مورد خود یوسف نیز عملی شده بود.

سادساً: این امر باعث شد تا برادران به اشتباه خود پی ببرند و از گناه خود توبه کنند و فراق چندین ساله بین حضرت یعقوب علیه السلام و حضرت یوسف علیه السلام به پایان برسد.

سؤال ۷۱

می‌گویند: چرا قرآن کریم حکم ازدواج موقت داده؟

می‌گوییم:

اولاً: دستوراتی که خدا به مردان برای رعایت همسررداری داده بیش از زنان است.

ثانیاً: در مسافرت‌های طولانی که همسر دائمی نیست باید غرائز إرضاء شود.

ثالثاً: روان‌کاوان و مددکاران اجتماعی بزرگترین مشکل روانی را که منشأ مشکلات دیگر است را غریزه جنسی می‌دانند.

رابعاً: سرکوب غرائز راه حل صحیحی نیست و تجربه تلخی را آمارها نشان می‌دهد.

خامساً: آزادی غرائز مانند غرب هم بلای بزرگی است که مفسده آن در جهان امروز مشهود است.

سادساً: انتشار ایدز بلای غرب و از بی بند و باری غریزی است.

سابعاً: ازدواج موقت بی بند و باری نیست بلکه ضوابطی دارد و دقیقاً مانند ازدواج دائم است منتهی محدود به وقت مشخص.

ثامناً: اگر سوء استفاده از متعه می‌شود از کدام قانون سوء استفاده نمی‌شود!؟

تاسعاً: مسئله تعدد همسر هم در ملت‌های قبل از اسلام همچون یونانیان رایج بوده است. و از میان همه راه‌ها راه ازدواج موقت و تعدد همسر بهترین راه است.

عاشرأ: سن طبیعی زنان بیش از مردان است زوج طلبی زنان نیز زودتر است.

سؤال ۷۲

می‌گویند: چرا ام‌کلثوم دختر علی (علیه السلام)

با عمر ازدواج کرد؟

می‌گوییم:

اولاً: پس از فوت رسول خدا ﷺ خانه زهرا مورد هجوم خلیفتین قرار گرفت.

ثانیاً: گفته شده خلیفه اول در آخر عمرش می‌گفت کاش به خانه زهرا حمله نمی‌کردم.

ثالثاً: کدام عقل سلیمی قبول می‌کند که این شخص به خواستگاری این خانه بیاید و صاحب خانه قبول کند دخترش را به او بدهد!

رابعاً: شیخ مفید راوی این کلام را از دشمنان علی (علیه السلام) و مطرود می‌داند.

خامساً: آن قدر در این قصه جعل و نقل‌های گوناگونی شده که قابل قبول نیست.

سادساً: بنابر اصرار عده‌ای این ازدواج اگر هم صورت گرفته یا با تحمیل و به رغم عدم رضایت قلبی حضرت علی (علیه السلام) بوده است.

سابعاً: خلیفه دوم قبلاً از ام‌کلثوم دختر ابوبکر خواستگاری کرد که به دلیل خلق و خویش دختر به او نداد!

سؤال ۷۳

می‌گویند: خمس برای غنائم جنگ است

شیعه چرا می‌گیرد؟

می‌گوییم:

اولاً: کلمه (ما) در آیه ۴۱ سوره انفال؛ «وَاَعْلَمُوا اَنْمَا غَنِمْتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَاَنَّ لِلّٰهِ خُمُسَهُ» موصوله است یعنی هر چیز یا هر آنچه یا هر گونه مالی که انسان بدست می‌آورد و اختصاص به غنیمت ندارد.

ثانیاً: غنیمت در لغت به معنای اصابت الفایده یا الفوز بالشئ است. و معنی شئ نکره است و دلیل بر عموم است یعنی هر چیزی که منفعتی داشته باشد.

ثالثاً: در زبان عرب آلوسی، فخر رازی و... می‌گویند غنیمت در همه جا به کار می‌رود.

رابعاً: آنچه می‌تواند قرآن را تفسیر کند ثقلین است که لن تضلوا دارد یعنی هرگز راه انحراف نمی‌روند.

خامساً: نظر اینکه آیه خمس به آیات جهاد و جنگ بدر است ولی از باب تنقیح منات و عمومیت موضوع این حکم به موارد مشابه دیگر هم بار می‌شود.

سادساً: خمس برای سادات در ازای زکات به غیر سادات است.

﴿سؤال ۷۴﴾

می گویند چرا شیعه با صحابی پیامبر مخالفاند؟

می گوئیم:

اولاً: صحابی پیامبر شریفاند اما نه همه آنها.

ثانیاً: حبّ و بغض صحابه را جزء دین و بی دینی حساب کردن غلط است.

ثالثاً: قرآن صحابه رسول را به پنج قسمت تعیین کرده:

- ۱- پاکان ۲- مؤمنان خطاکاران ۳- آلودگان به گناه ۴- مسلمانان ظاهری ۵- منافقان.^۱

رابعاً: صحابی‌های فراری از جنگ هم صحابی بودند!

خامساً: ولید بن عقبه هم از صحابی بود ولی فاسق و منافق بود و آیه ان جاء کم فاسق در حق او نازل شده است.^۲

سادساً: صحابی بهانه‌گیر هم داریم.^۳

سابعاً: صحابی افترا زنده به پیامبر ﷺ ما وَعَدْنَا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ إِلَّا غُرُوراً.^۴

ثامناً: صحابی بهانه‌جو: إِنَّ بَيُّوتَنَا عَوْرَةٌ؛^۵

۱- (سوره توبه آیه ۱۰۱)

۲- (سوره حجرات آیه ۶)

۳- (سوره توبه آیه ۵۸)

۴- (سوره احزاب آیه ۱۲)

۵- (سوره احزاب آیه ۱۳)

تاسعاً: صحابی که به پیامبر (ﷺ) تهمت خیانت می‌زدند.^۱

عاشراً: صحابی که بدبین به عدالت پیامبر (ﷺ) تیر اندازان تپه رمات احد را رها کرده به دنبال غنائم می‌رود هم بوده است!

احدی عشر: صحابی هتاک به خاطر پارچه‌ای که پس از جنگ احد گم شد نسبت دزدی به پیامبر (ﷺ) زدند!!

اثنی عشر: معاویه لعنت الله علیه جزء صحابی است که جرثومه فساد بود و سال‌ها به علی (ﷺ) لعن می‌کند.

ثالث عشر: نعیمان صحابی شرب خمر کرد و حدّ خورد صحابی بنی اسلم زنای محصنه و رجم شد و ولید نماز صبح را چهار رکعت خواند و حدّ خورد و... لذا شیعه نمی‌تواند با اینها خوب باشد.

﴿ سؤال ۷۵ ﴾

می گویند: چرا اسلام برده داری را جایز دانست؟

می گوئیم:

- اولاً:** در جوامع بشری حتی تا صد سال قبل خرید و فروش برده معمول بوده است.
- ثانیاً:** بردگان سرنوشت تلخی داشته‌اند مانند بردگان اسپارت‌ها.
- ثالثاً:** اعراب قبل از اسلام طناب به گردن برده‌ها می کردند!
- رابعاً:** اسلام تصمیم به لغو این سنت غلط داشت ولی زمان لازم داشت.
- خامساً:** اسلام اگر دستور لغو برده داری می داد تمامی بردگان گرسنه و بی پناه می ماندند.
- سادساً:** اسلام سه راه را در پیش گرفت:
- ۱- بستن سر چشمه بردگی ۲- گشودن دریچه آزادی ۳- احیاء شخصیت بردگان.
- سابعاً:** منشاء برده شدن سه چیز بود:
- ۱- اسیران جنگی ۲- بدهکارانی که قدرت پرداخت نداشتند ۳- زور و قلدری کشورهای زورمند.
- ثامناً:** اسلام در آیه ۴ سوره محمد ﷺ دستور آزادی مشروط آنان را می دهد.
- تاسعاً:** اسلام تشویق به تکریم اسیران می کند: **وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا.**^۱
- عاشراً:** پیامبر اکرم ﷺ فرمود: **شَرُّ النَّاسِ مَنْ بَاعَ النَّاسَ؛** بدترین مردم؛ مردم فروشان هستند.
- احدی عشر:** پیامبر اعظم ﷺ سه گناه را نابخشودنی قلمداد کرد:
- ۱- کسی که مهر همسر را ندهد ۲- حق کارگر را نپردازد ۳- یا مرد آزادی را بفروشد؛

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى غَافِرٌ كُلِّ ذَنْبٍ إِلَّا مَنْ جَحَدَ مَهْرًا أَوْ
اِغْتَصَبَ أَجِيرًا أَوْ بَاعَ رَجُلًا حُرًّا.^۱

اثنی عشر: راه‌های آزادی بردگان:

الف: سهمی از زکات^۲ ب: کفاره بسیاری از گناهان ج: کفاره روزه‌خواری و...

ثالث عشر: حضرت علی (علیه السلام) هزار برده را از دسترنج خود آزاد کردند؛ اَعْتَقَ الْفَأْ مِنْ
كَدِيدِهِ^۳. و سفارش می‌کردند جهت تکریم بردگان در کنارشان سر سفره بنشیند.

رابع عشر: حضرت می‌فرمود نگوید بنده من بلکه بگوید فتای و فتای یعنی جوان
من، جوان من.

خامس عشر: زید بن حارثه که هدیه خدیجه (علیها السلام) به پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود را حضرت آزاد کرد.
همچنین کنیزی گلی به امام مجتبی (علیه السلام) داد حضرت او را آزاد کرد.
پس اسلام نه اینکه با برده‌داری خوب باشد بلکه درست نقطه مقابل است و
برده‌داری امروز در غرب به مراتب از آن روزبدتر است!

۱- (بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص: ۱۲۹)

۲- (سوره توبه آیه ۶۰)

۳- (بحار ۴۱ صفحه ۴۳)

﴿سؤال ۷۶﴾

می گویند چرا حیّ علی خیر العمل در اذان می گویند؟

می گوئیم:

اولاً: براساس روایات متواتر اهل بیت (علیهم السلام) این جزء اذان است باید پرسید چرا اهل سنت نمی گویند.

ثانیاً: در زمان خلیفه دوّم با مصلحت اندیشی خیلی از قوانین را عوض کرد!!

ثالثاً: در زمان پیامبر و مدّتی بعد از آن نیز حیّ علی خیر العمل می گفتند و در زمان خلیفه دوم لغو شد!

رابعاً: در سه طایفه امامیه، زندیه، اسماعیلیه این جزء اذان است.

خامساً: روایات متعددی در جزئیت حیّ علی خیر العمل داریم.^۱

سادساً: عمر گفت سه چیز زمان پیامبر حلال بوده و من حرام میکنم متعه (ازدواج موقت)، طواف نساء، حیّ علی خیر العمل!

سابعاً: دولت های آل بویه که تمایل به شیعه داشتند حیّ علی خیر العمل می گفتند ولی سلجوقیان که روی کار آمده اند حذف کرده اند! و الصلوه خیر من النّوم را باب کردند!!

﴿سؤال ۷۷﴾

می‌گویند چرا شیعیان با دست باز نماز می‌خوانند؟

می‌گوییم:

اولاً: دست بسته بودن بین خود اهل سنت اختلافی است مالکيه دست باز می‌خوانند.
ثانیاً: در بین اهل سنت نوع دست گذاشتن و کجا قرار دادن نیز اختلاف نظر دارند!
ثالثاً: در روایات حتی دلیلی برای استحباب این کار هم نیامده تا چه برسد به وجوب دست بسته نماز خواندن!

رابعاً: ابو حمید گفت: همواره با پیامبر صلی الله علیه و آله بودم و هرگز پیامبر دست بسته نماز نخواند.^۱

خامساً: رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد به کسی آموزش نماز داد و دست روی دست گذاشت^۲ و امام صادق علیه السلام فرمود: دست بسته تکفیر است. تکفیر یعنی؛ تعظیم‌هایی که در برابر سلاطین انجام می‌دهند و حرام است و امام باقر علیه السلام فرمود: دست را روی دست نگذارید که این عمل مجوس است.^۳

۱- (سنن بیهقی ۲)

۲- (صحیح بخاری)

۳- (وسائل ۴ صفحه ۱۵)

﴿سؤال ۷۸﴾

می گویند: چرا شیعیان بر تربت سجده می کنند؟

می گوئیم:

اولاً: ما نوکر سنت رسول الله هستیم و نمازی که پیامبر صلی الله علیه و آله می خواند را می خوانیم.
ثانیاً: سجده بر دو چیز جایز است: زمین و روئیده شده از زمین و غیر خوراکی و پوشاکی.

ثالثاً: مگر سجده بر پشم بز و پشم شتر صحیح و بر تربت کربلا ناصحیح است؟!
رابعاً: پیامبر بر زمین سجده می کرد و به مردم هم می فرمود بر زمین سجده کنید. حتی رسول خدا صلی الله علیه و آله از زیر پیشانی بعضی لباسش را می کشید و می فرمود بر زمین سجده کن.
خامساً: یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله سنگ ریزه ها را در دست نگه می داشتند تا سرد شود و بر آنها سجده کنند.

سادساً: رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: سربر خاک نهد تا خضوع و ذلت خود را برسانید.

سابعاً: سجده بر خوراکی و پوشاکی که معبود اهل دنیا است جایز نیست.^۱

ثامناً: بین مسجود له یعنی سجده برای او با مسجود علیه یعنی سجده بر او را فرق است.

تاسعاً: امام صادق علیه السلام کیسه زردی دارای مقداری تربت امام حسین علیه السلام برای سجده داشت.^۲

۱- (بحار ۸۲ صفحه ۱۸۲)

۲- (مسائل □ صفحه ۶۰۸)

سؤال ۷۹

**می‌گویند: امتیازات خاصی به پیامبر ﷺ داده شده
مثلاً اموالی فقط در اختیار شخص پیامبر ﷺ است چرا؟**

می‌گوییم:

اولاً: کتابی تحت عنوان خصائص النبی است که حاوی ۵۲ خصوصیت از ویژگی‌های خاص پیامبر ﷺ است و همه‌اش به نفع اسلام و مسلمین است مانند انفال، خمس، پاره‌ای از مالکیت‌ها و جواز ازدواج‌های متعدّد.

ثانیاً: اموالی که در مقابله و جنگ بدست می‌آمد چهار صورت داشت:

الف: زمین‌هایی که از مسیحیان یا یهودیان به دست مسلمانان فتح می‌شد و صاحب زمین اعلام می‌کرد که مسلمان شده که به خودش بر می‌گشت.

ب: گاهی از یهود و مسیحی فتح می‌شد و آنان همچنان به جنگ با اسلام ادامه می‌دادند تا کشته می‌شدند که زمین‌های مفتوح‌العنوه نام گذاری می‌شد که وارد بیت المال شده و به مسلمانان می‌رسید زمین‌های خراجیه نیز نام داشت و در دست مردم به اجاره داده می‌شد.

ج: گاهی از یهود و مسیحیت فتح می‌شد لکن آنها می‌گفتند از یهودیت و مسیحی بودن عیبی ندیدیم و می‌خواهیم به همین دین باقی باشیم و با مسلمانان هم جنگی نداریم که زمین‌ها به خودشان واگذار می‌شد ولی باید جزیه (نوعی مالیات) بدهند تا در پناه امنیت اسلام زندگی کنند.

د: گاهی از یهود و مسیحیت فتح می‌شد و آنها بدون جنگ آن دیار را ترک می‌کردند و هجرت می‌نمودند این به بیت المال تعلّق نداشت کلیه ملک حقّ پیامبر ﷺ می‌شد به نام فیه که آیات سوره حشر حکمش را بیان کرده است.

ثالثاً: پیامبر مرجع مراجعات اقتصادی و فرهنگی مردم بود و نیز محرم مردم بود

لذا فیء و خمس و انفال در اختیار شخص رسول خدا ﷺ بود و فدک نیز از مصادیق فیء بود.

رابعاً: موارد مصرف فیء از این قرارند: ۱- خدا ۲- پیامبر ۳- ذوی القربی ۴- اهل بیت پیامبر ۵- یتیمان ۶- مساکین ۷- ابن السبیل و پس از نزول آیه ۳۸ سوره روم نازل شد قسمتی از فیء را رسول خدا ﷺ به فاطمه فرزندش بخشید.

﴿سؤال ۸۰﴾

چرا اسلام حکم بر قتل فرد مرتد داده است؟

می‌گوییم:

اولاً: مرتد کسی است که بعد از مسلمان شدن کافر می‌شود حالا چه اصل دین را منکر بشود و یا یکی از ضروریات دین همچون نماز و روزه و ولایت... و یا یکی از اصول مثل توحید، نبوت و معاد را منکر بشود.

ثانیاً: مرتد یا فطری است یا ملی؛ مرتد فطری کسی است که پدر و مادرش در هنگام انعقاد نطفه او مسلمان بوده‌اند و خودش پس از بلوغ اسلام اختیار کرده و سپس از اسلام خارج شده است. اما مرتد ملی کسی است که پدر و مادر او هنگام انعقاد نطفه او کافر بوده‌اند و خودش هم پس از بلوغ اظهار کفر کرده است و سپس اسلام آورده و مجدداً کافر شده است.

مرتد فطری اگر مرد باشد کشته می‌شود اما در مرتد ملی در ابتداء دعوت به توبه می‌شود و اگر توبه کرد آزاد می‌شود و گرنه کشته می‌شود. اما زن مرتد چه ملی و چه فطری کشته نمی‌شود و دعوت به توبه می‌شود و اگر توبه کرد آزاد می‌شود.

ثالثاً: حکم مرتد در ادیان و مذاهب دیگر الهی غیر از اسلام حکم مرگ است

رابعاً: ارتداد و مرتد بودن با حوزه اعتقادی ارتباط مستقیمی ندارد بلکه قانونی سیاسی و اجتماعی است به همین دلیل اولین شرط ارتداد اظهار کردن ارتداد است که در حقیقت نوعی موضع‌گیری در مقابل اسلام در فضای جامعه است لذا اگر کسی در نزد خودش اسلام را بر حق ندانست اعدام نمی‌شود اما اگر به صحن جامعه آمد و اظهار کرد و اذهان جامعه را متزلزل کرد با او مقابله می‌شود.

خامساً: هر حکومتی برای بازدارندگی ملتش از فساد، اهرم‌هایی برای مقابله دارد و چون کفر در میان مسلمانان فساد به حساب می‌آید با او مقابله می‌شود.

سادساً: چهار شرط برای اجرای حکم مرتد:

۱- خروج از اسلام تحقق یابد.

۲- از روی اختیار باشد.

۳- انکار منکرانه باشد یعنی از روی علم و عمد باشد.

۴- اقدام عملی علیه اسلام داشته باشد.

اگر این موارد چهارگانه که در حقیقت شمشیرکشی علیه اسلام است در مرتد بود مجازات می‌شود و گرنه کسی را به جرم عقیده باطل مؤاخذه نمی‌کنند زیرا در انتخاب فردی همان دستور قرآن به کار گرفته می‌شود که: «لا اکراه فی الدین».

سؤال ۸۱

موسیقی لذت بخش چرا حرام است؟

می‌گوییم:

اولاً: خوب است اندکی درباره دلسوز بودن اسلام و رئوف بودن فقهاء و مراجع تقلید اندیشه کنیم و بدانیم که آنها نفع مردم را در نظر می‌گیرند و به زبان دیگر مردم خواسته خود را مدنظر دارند و فقهاء مصلحت آنها را، فتوای مرجع تقلید همچون دستور پزشکی است و آنهایی که ملزم به پیروی از فتوا هستند مثل کودکان در رابطه با نسخه‌ی پزشکی می‌باشند، کودک می‌خواهد در نسخه طبیب غذا و داروی خوشمزه و لذت بخش باشد ولی طبیب گاهی شربت بد مزه یا آمپول دردناک تجویز می‌کند زیرا مصلحت مریض را در اینگونه دستور می‌داند. قوانین الهی برای بشر همین صورت را دارد.

ثانیاً: جایگاه و ویژگی عقل در معتدل بودن و پختگی آن است و بعضاً موسیقی‌های مطرب و خیلی شاد عقل را از متانت و وقار می‌اندازد و دچار اضطراب و طرب می‌شود و این باعث می‌شود که عقل از مسیر صحیح خارج شود.

ثالثاً: دوستدار موسیقی برای برون رفت از کسالت و نگرانی از موسیقی استفاده می‌کند و هرگز بدنبال علت یا علل ناراحتی و نگرانی‌اش نمی‌رود. پس اینکه گفته‌اند موسیقی عقل را به خواب می‌برد حرف بی‌ربطی نیست موسیقی در حقیقت یک مسکن یا مخدری است که عواقبش خطرناک است درست همانند درد مفاصل را که با کشیدن تریاک بصورت موقت تسکین یا تخدیر می‌کنند.

رابعاً: قرآن از این غفلت‌ها به لُهو تعبیر کرده و می‌فرماید: **لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ؛** مبادا هرگز مال و فرزندان شما را از یاد خدا غافل سازند.

خامساً: موسیقی در بسیاری از مواقع معیارهای سنجیده عقلی را به هم زده و انسان را اسیر احساسات لحظه‌ای می‌کند. راننده جوانی را در نظر بگیرید که موسیقی تند ماشین خود را روشن کرده و در خیابانی شلوغ به سرعت می‌راند او در این حال معیارها و محاسبات عقلش را کنار زده و اسیر همین احساسات است و لحظه‌ای بعد با یک حادثه مرگبار معلوم نیست با سرنوشت خود چه می‌کند!

سادساً: موسیقی را فارابی دانشمند معروف به سه نوع تقسیم کرده است:

۱- موسیقی نشاط آور ۲- موسیقی خیال آفرین ۳- موسیقی هیجان ساز

سابعاً: در اسلام هر نوع آواز خوش و هرگونه موسیقی، ممنوع و حرام نیست بلکه موسیقی و سازی حرام است که اعتدال عقل را متزلزل کند و مصداق قول زور باشد
ثامناً: در قرآن فرموده است: «و اجتنبوا قول الزور»؛ از گفتار باطل پرهیزید که مفسرین قول زور را به موسیقی مطرب تفسیر کرده‌اند.

سؤال ۸۲

می‌گویند: موسیقی چه تأثیراتی بر سیستم اعصاب و بدن انسان دارد؟

می‌گوییم:

اولاً: دانشمندان علم فیزیولوژی دستگاه عصبی انسان را به دو دسته تقسیم کرده‌اند: یکی سلسله اعصاب ارتباطی که شامل ستون مرکزی عصبی و نخاع، نیمکره مغز و اعصاب محیطی است. و دیگری: سلسله اعصاب نباتی شامل سیستم سمپاتیک و پاراسمپاتیک وقتی که از خارج تحریکاتی بر روی اعصاب شروع می‌شود و اعصاب سمپاتیک و پاراسمپاتیک به میزان تحریکات خارجی وارد شده تعادل از دست می‌دهند. بدیهی است هر اندازه از بین این دو سیستم عصبی فاصله‌ها بیشتر باشد به همان اندازه نیز نگرانی‌های روانی و اغتشاشات فزون‌تر می‌گردد. از جمله علل و عوامل تحریکات خارجی، ارتعاشات موسیقی است. موسیقی وقتی که با آهنگ‌های نشاط‌انگیز یا نوارهای حزن‌آور همراه گردد مخصوصاً اگر با ارتعاشات عجیب و غریب سمفونیک اجراء گردد به طور مسلم تعادل لازمی را که بایستی بین دو دسته عصب نامبرده وجود داشته باشد را بر هم می‌زند و در نتیجه اصول حساس اعم از هضم، جذب، دفع، ترشحات، ضربان قلب و وضع فشارمایعات بدن مثل خون را مختل ساخته و رفته رفته شخص را به گرفتاری‌ها و امراضی نزدیک می‌سازد که طب جدید با تمام پیشرفت‌هایش نمی‌تواند آسیب‌های پیش آمده را درمان کند مثل اغتشاشات فکری، امراض روانی، افسردگی‌ها و حتی بی‌خیالی‌ها و سکت‌های قلبی و مغزی.

ثانیاً: پروفیسور ولف آدلر استاد دانشگاه کلمبیا ثابت کرده که بهترین و دلکش‌ترین موسیقی‌ها شوم‌ترین آثار را بر روی دستگاه اعصاب انسان باقی می‌گذارد.

ثالثاً: توجه دقیق به بیوگرافی مشاهیر موسیقی جهان نشان می‌دهد که در دوران عمر به تدریج دچار ناراحتی‌های روحی یا جسمی گردیده‌اند تا آنجا که رفته رفته اعصاب خود را از دست داده‌اند و عده‌ای مبتلا به بیماری‌های روانی شده‌اند. عده‌ای به دیار جنون رهسپار شده‌اند و دسته‌ای فلج و ناتوان گردیده‌اند چنان که هنگام نواختن موسیقی فشار خونشان بالا رفته و دچار سکنه ناگهانی شده‌اند. پس نتیجه می‌گیریم که وقتی خدای حکیم برای ما نسخه‌ای می‌پیچد او ما را می‌شناسد و خالق ماست و چون حکیم است کاری بدون حکمت انجام نمی‌دهد. آری او در علم، علیم و در حکمت، حکیم است و هرگز لحظه‌ای ما و نگرانی ما را نمی‌تواند به نظاره بنشیند و بالاخره دستور واجب و حرام و مستحب و مکروه و مباح او براساس حکمتی به نفع ما می‌باشد.

﴿سؤال ۸۳﴾

چرا کشورهای اسلامی عقب مانده‌اند؟

می‌گوییم:

اولاً: تنها کشورهای اسلامی نیستند که گرفتارند بلکه بسیاری از کشورهای سکولار و بی دین هم گرفتاری‌های بزرگی دارند.

ثانیاً: در بسیاری از ممالک مرفّه با داشتن امکانات فراوان گرفتاری‌های بزرگی از قبیل انحطاط‌های اخلاقی و روانی و... وجود دارد.

ثالثاً: هیچ دینی از ادیان آسمانی مانع پیشرفت جامعه یا فردی نشده است البته دین‌های دست ساز بشری که ما آنها را دین نمی‌دانیم مانع رشد و کمال بوده‌اند همچون موهومات کلیساها و تحریفات یهود.

رابعاً: تمدن اسلامی و صدورش به سراسر جهان و من جمله به اروپا باعث رشد چشمگیری در این جوامع گردیده است که منصفان از دانشمندان مشهور دنیا به صراحت به آن اعتراف دارند.

خامساً: بسیاری از اندیشمندان غربی و پدیدآورندگان تمدن جدید غرب خودشان تابع دین و طرفدار ادیان آسمانی‌اند.

سادساً: عمل نکردن مسلمانان به دستورات دینی و اختلافی که در بین خودشان رواج داده‌اند علت دیگر عقب ماندگی است پس عقب ماندگی جوامع دینی دلیلش دین نیست.

سابعاً: تفکرات غلط برخی مسلمانان و برداشت نامربوط از زهد و دعا و ترک دنیا و صوفی‌گری و تن پروری نیز عوامل دیگری برای عقب ماندگی است.

ثامناً: سرکوب ملت‌های مسلمان؛ به عنوان مثال بیش از پانصد سال از کشف قاره آمریکا می‌گذرد و در پیشرفت‌های صنعتی بدون هیچ مانعی ترقی کرده‌اند و

امروز داشته‌هایشان بیش از مناطق دیگر است ولی کشورهایی همچون ایران همواره دچار استعمار و استثمار بوده‌اند و جلو ترقی آنها گرفته شده است بلکه آنها را به عنوان ملت‌های جهان سوم از همه داشته‌های خود محروم نگه داشته‌اند! و حال که دستشان کوتاه شده در این چهل سال پیشرفت‌های چشمگیری داشته‌ایم.

سؤال ۸۴

می‌گویند: دلیل حقانیت اسلام و بطلان دیگر ادیان چیست؟

می‌گوییم:

اولاً: باید ادیان را مطالعه کرد و پس از مطالعه با میزان مستحکمی چون عقل سلیم، خوب را از بد تمیز داد و قبول کرد. زیرا عقل یکی از حجت‌های باطنی و عامل تشخیص خوب از بد است. انسان عاقل وقتی به خرافات رایجی که به نام دین رواج یافته است نگاه می‌کند و تهمت ناروا به پیامبران الهی که در تورات و انجیل است و افسانه‌های غیر قابل باور در تقویت ظالمان و به نام دین را در مسیحیت مشاهده می‌کند پی به منحرف شدن این گونه ادیان می‌برد.

ثانیاً: «ان الدین عندالله الاسلام» دین در نزد خدا همان دین اسلام است.^۱

ثالثاً: هر کس غیر از اسلام دینی را انتخاب کند از او پذیرفته نمی‌شود و او در آخرت از جمله زیانکاران است. «و من یتغ غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه و هو فی الاخره من الخاسرین».^۲

نتیجه اینکه حقیقت دین یک چیز است ولی وحدت آن از سنخ وحدت عددی نیست بلکه از قبیل وحدت تشکیکی است یعنی دارای مراتب است که قرآن این مراتب را به «سُّبُل» تعبیر کرده است. صراط مستقیم واحد است اما سُّبُل به تعدد و اختلاف سالکان و متعبدان متعدد است؛ **والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبیلنا؛** هر آن کس در راه ما مجاهدت کند راهها را نشان می‌دهیم.^۳

۱- (آل عمران، ۱۹)

۲- (آل عمران، ۸۵)

۳- (عنکبوت ۶۹)

سؤال ۸۵

می‌گویند: معراج پیامبر ﷺ چگونه بود؟

می‌گوییم:

در دو سوره اسراء و النجم از این سفر آسمانی یعنی معراج در قرآن سخن به میان آمده است و مفسرین بزرگوار در این موضوع چند نظر دارند:

۱ - جبرئیل با مرکبی مخصوص به نام براق، آن حضرت را به آسمان‌ها برد و تمام این سفر همراه با جسم و روح پیامبر ﷺ و در بیداری اتفاق افتاد و خدا بدین وسیله گوشه‌ای از عظمت خود را به پیامبرش ﷺ نشان داد.

البته این مسئله هم چون بسیاری از مسائل گرفتار خرافات و اخبار نادرست شده است. فلسفه این سفر آسمانی هم دیدن عوالم بالا بوده و لذا رسول خدا ﷺ پس از بازگشت از این سفر مهم مشاهداتش را برای مردم بازگو می‌فرمود که درباره این موضوع کتب فراوانی تاکنون نوشته شده است.

۲ - سیر روحانی رسول ﷺ از مسجد الاقصی به آسمان‌ها صورت گرفته است.

۳ - در همان حالی که پیامبر ﷺ در مسجد الاقصی ایستاده بودند حقائق عالم را به چشم دل دیدند و روح و جسم حضرت به جایی سفر نکرده است.

۴ - علامه طباطبایی می‌فرماید: اصل سفر معراج از مسلمات دینی است اما کیفیت آن را ما نمی‌دانیم البته این اختلاف نظرها باعث تشکیک در اصل بحث نیست و امکان دارد بخاطر ابعاد مختلف مسأله بوجود آمده باشد.

سؤال ۸۵

دلیل ازدواج‌های پیامبر ﷺ چیست؟

می‌گوییم:

سؤال کردن یا ایجاد شبهه یا ایراد تهمت شهوترانی به پیامبری که خلاصه همه خوبی‌هاست و خاتم پیامبران و معصوم و برگزیده خداوند است گرچه کاری بی جا و بی‌مورد است لکن از آن جا که جلوی سؤال کسی گرفته نمی‌شود و سؤال کسی بی‌پاسخ نمی‌ماند به دلایل این ازدواج‌ها اشاره می‌کنیم، باشد که آن چهره تابناک با این اذهان تاریک غبار آلوده نشود.

اولاً: برخی از آن زنان، کسانی بودند که چون مسلمان شده بودند مورد بی‌مهری خانواده قرار می‌گرفتند و مورد طعن و ملامت خانواده خود بوده و طلاق داده می‌شدند.

ثانیاً: برخی شوهر خورد را در جنگ از دست می‌دادند و مایل به ازدواج با هر کسی هم نبودند

ثالثاً: برخی دیگر از آنها وقتی به ازدواج شرعی پیامبر در می‌آمدند یک قبیله‌ای افتخار فامیل شدن با رهبر اسلام پیدا می‌کردند و به اسلام گرایش می‌نمودند و یا حداقل دست از دشمنی با پیامبر برمی‌داشتند.

رابعاً: آن حضرت تا سن ۲۵ سالگی که تقریباً اوج دوران شهوت است هیچگونه آلودگی جنسی نداشته و با دل و دامنی پاک زندگی کرده است.

خامساً: آن بزرگوار آنگاه که ازدواج کرد ۲۵ ساله بود و با حضرت خدیجه رضی الله عنها ازدواج نمود و تا او زنده بود با شخصی دیگر ازدواج نکرد.

سادساً: ازدواج‌های دیگر حضرت پس از دوران جوانی و زندگی مشترک با خدیجه در اوج مشغله‌های کاری حضرت بوده است.

سابعاً: ازدواج‌ها بیشتر با زنانی که سن بالا داشته و دارای فرزندان یتیم بوده‌اند صورت گرفته است.

ثامناً: برخی از دانشمندان غربی که از قبل مسائلی را به پیامبر نسبت می‌دادند و او را فردی شهوتران (نعوذ بالله) می‌دانستند عذرخواسته و از گفته‌های خویشش برگشتند رجوع شود به کتاب عذر تقصیر به پشگاه محمد و قرآن.

سؤال ۸۵

می‌گویند: چرا خدا در وجود ما شهوت قرار داد؟

می‌گوییم:

اولاً: هر خلقتی از مخلوقات خداوند برای هدفی است و در نظام حکیمانه خدا چیزی عبث و بی‌نتیجه خلق نشده است.

ثانیاً: از شهوت هم مانند دیگر قوا سوء استفاده‌هایی می‌شود که اینک از قوه غضب هم سوء استفاده می‌شود.

ثالثاً: به وسیله مبارزه با خواسته‌های نفس است که انسان به تعالی و بزرگواری می‌رسد، یکی از نمونه‌های مهم در این وادی حضرت یوسف صدیق زیبا و جوان است که در برابر طنازی‌های فراوانی همچون زلیخا با جمله زیبای «معاذالله» از آن صحنه به ظاهر دل‌انگیز صرف نظر کرد و برای عالمی الگو شد و در میان افراد عادی نیز کسی مانند ابن سیرین که با لطایف الحیل خود را از خلوتی شهوتناک رها کرد و به مطلوب علمی خود در دنیا رسید و نتیجه اخروی را در انتظار است. آری انسان اگر اراده کند از مسیر پر خطر شهوت به حالت رضا و سرخوشی واقعی می‌رسد.

رابعاً: درجات و درکات اخروی از قبل برای هر کسی ساخته و پرداخته نیست، بلکه این انسان است در این عالم که آن مقامات و درجات یا درکات را برای خویش فراهم می‌کند همان گونه که گفته‌اند: دنیا بستر شدن‌ها و آخرت استقرار شده‌هاست. پس در یک کلام می‌توان گفت که این غریزه همچون غریزه غضب موهبتی الهی است و انسان با حسن استفاده از آن‌ها به حسن عاقبت و با سوء استفاده به عاقبتی بد می‌رسد. البته به این نکته باید اشاره کرد که غضب

و شهوت جایگاه استفاده‌ی صحیح نیز دارد و راه تولید نسل و مقابله با دشمنان سر سخت و غضبناک همین دو قوه شهوت و غضب است.

سؤال ۸۶

می‌گویند: آیا ابوطالب پدر حضرت علی علیه السلام با ایمان بود؟

می‌گوییم:

اولاً: وهابی‌های معلوم الحال این شبهه را مطرح ساختند که ابوطالب پدر امیرالمؤمنین علیه السلام با ایمان نبودند!

ثانیاً: ایشان فرزند حضرت عبدالمطلب و پدر حضرت علی علیه السلام است که در زمره افراد مؤمن و مدافع اسلام و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود او در بحرانی‌ترین موقعیت‌ها از پیامبر دفاع کرد.

ثالثاً: او فرزند کسی است که وقتی ابرهه برای تخریب خانه کعبه لشکر کشی کرد مقداری به استقبال آنها رفت و وقتی ابرهه پرسید به چه کار آمده‌ای؟ گفت: شنیده‌ام شتران مرا دزدیده‌ای می‌خواهم آنها را پس بگیرم ابرهه با تعجب گفت: به من گفته‌اند تو بزرگ مکه‌ای فکر کردم برای دفاع از خانه کعبه آمده‌ای؟ فرمود: **أَنَا رَبُّ الْإِيلِ وَ اللَّيْتِ رَبُّ يَحْمِيهِ؛** من صاحب شترانم هستم و کعبه هم صاحبی دارد که از آن حمایت می‌کند.^۱

رابعاً: اشعار و آثار مهمی از حضرت ابوطالب در وصف اسلام و توصیف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در میان اهل ادب در عرب رایج و در کتاب‌های معتبر نوشته شده است.

خامساً: طرز رفتارش با پیامبر زبان زد همه است او حتی در دورانی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و در محاصره اقتصادی دشمن در شعب ابوطالب بود و همراهی فکری و مالی به پیامبر می‌کرد.

سادساً: ابوطالب در وصیت خود فرمود: یا مَعشَرَ قُرَیْشِ کونوا لَهُ وِلاةً و لِحْرَمِهِ حُماةً... ای خویشاوندان من دوستدار محمد ﷺ باشید و از او پیروی کنید. از دین او دفاع کنید. بخدا قسم هر که از نور هدایت او پیروی نماید سعادت‌مند می‌گردد.^۱

سابعاً: محبت رسول خدا ﷺ نسبت به ابوطالب دلیل دیگری بر شخصیت بزرگ اوست. پیامبر به عقیل گفت: ای عقیل من تو را به دو جهت دوست دارم یکی بخاطر قرابت و خویشاوندی و دیگر به خاطر اینکه می‌دانم عموی من ابوطالب تو را دوست دارد.

ثامناً: شخصی ناآگاه در محضر علی (علیه السلام) از ابوطالب مذمت کرد حضرت فرمود: ساکت باش خدا دهانت را بشکند. سوگند به خدائی که محمد را به رسالت فرستاد اگر پدرم ابوطالب بخواهد شفاعت هر گنهکاری را بکند خداوند او را شفیع می‌گرداند.^۲

تاسعاً: ابوذر در وصف ابوطالب می‌گوید: سوگند به خداوندی که خدائی جز او نیست ابوطالب از دنیا نرفت مگر اینکه اسلام را اختیار نمود.^۳

عاشراً: امام باقر (علیه السلام) درباره ابوطالب می‌فرماید: **لو وضع ایمان ابی طالب فی کفه میزان و ایمان هذا الخلق فی الکفه الاخری لرجح ایمانه؛** اگر ایمان ابو طالب را در یک کفه ترازو و ایمان این مردم را در یک کفه دیگر قرار دهند ایمان ابوطالب بر آن برتری و امتیاز دارد.^۴

۱- (سیره حلبی ج ۱ ص ۲۹۱)

۲- (الحجه ص ۲۴)

۳- (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱۴ ص ۷۱)

۴- (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱۴ ص ۶۸)

﴿سؤال ۸۷﴾

می‌گویند: خاصیت دین چیست؟

می‌گوییم:

اولاً: گرایش انسان به دین امری ذاتی است، دین نه تنها تأمین کننده بسیاری از نیازهای انسان است بلکه خودش نیازی برای وجود انسان می‌باشد.

ثانیاً: خداوند می‌فرماید: **فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا**،^۱ پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده است.

ثالثاً: تولستوی: ایمان آن چیزی است که انسان با آن زندگی می‌کند.

رابعاً: استاد شهید مطهری: ایمان مهم‌ترین سرمایه زندگی است، مردم به برخی از سرمایه‌های زندگی مانند سلامت، امنیت، ثروت و رفاه و... توجه دارند اما به یک سرمایه بزرگ که نامش ایمان است توجه ندارند، چرا که آنان اصولاً محسوسات و مادیات را بیش از معقولات و معنویات می‌شناسند.

خامساً: ویل دورانت: دین روح زندگی انسان است، زندگی بدون دین ملال انگیز و مانند جسمی بی روح است.

سادساً: ویلیام جیمز مدعی است: ایمان یکی از قوانین است که بشر به مدد آن زندگی می‌کند، فقدان کامل دین در حکم سقوط بشر است.

سابعاً: ارنست رنان: ممکن است روزی هر چه را دوست می‌دارم نابود شود و هر آنچه که نزد من لذت بخش‌تر است از میان برود ولی محال است که علاقه به دین متلاشی یا محو شود و این شاهدی صادق بر بطلان مادیات است.

ثامناً: الکسیس کارل: احساس دینی، جنبشی است که از اعماق فطرت سرچشمه گرفته است و یکی از غرائز اصلی است.

سؤال ۸۸

می‌گویند: نقش دین در سلامت چیست؟

می‌گوییم:

اولاً: تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد انگاره‌های دینی نقش مؤثرتری در تسکین دردهای روحی و کاهش اضطراب و تحمل فشارهای روانی دارند و افراد مذهبی از ناراحتی روانی بسیار کمتری رنج می‌برند.

ثانیاً: «ویلر» بر آن است که شخص مذهبی از طریق اعتقادات دینی بر مشکلات چیره می‌شود و از طریق اعمال مذهبی و شرکت در مراسم دینی به شبکه وسیع حمایت‌های اجتماعی متصل می‌شود.

ثالثاً: وابستگی دینی چون بدیل دیگر متغیرهای مؤثر بر سلامت روان مانند وضعیت اقتصادی و حمایت اجتماعی عمل می‌کند و منجر به کاهش شیوع افسردگی می‌شود.

رابعاً: بررسی‌ها گواه بر آن است که بین دینداری و بزهکاری و جرم و جنایت رابطه عکس وجود دارد و رفتارهای مذهبی در یک جامعه می‌تواند اثر کاهنده در جرائم و جنایات داشته باشد.

خامساً: مسئله خودکشی یکی از بحرانی‌ترین مسائل جدی در تمدن کنونی به شمار می‌رود و افرادی در سنین ۱۵ تا ۴۵ سالگی در کشورهایی که مذهب در آنجا ضعیف است با آن درگیر هستند و به صورت تصاعدی این آمار در حرکت است. اخیراً تحقیقات نشان می‌دهد که حتی در میان کشورهای در حال توسعه در سنینی کمتر از ۱۵ سال هم رواج پیدا کرده است. یک بررسی که در کشور اردن توسط دانشمندی به نام (داراکه) در سال ۱۹۹۲ انجام شده نشان می‌دهد تعداد خودکشی در ماه رمضان در مقایسه با ماه‌های دیگر سال کاهش قابل توجهی را نشان می‌دهد.

سادساً: ناپایداری زندگی خانوادگی هم از بلاهای جهان امروز است و مذهب مهم‌ترین عامل پابندی به خانواده‌ها به شمار می‌رود، رضایت از زندگی و عدم روی آوردن به طلاق عامل مهمی در بهداشت روانی خانواده‌های مذهبی به حساب می‌آید.

سابعاً: از هم گسیختگی غرائز اعم از غرائز جنسی یا اخلاقیات، آفتی بزرگ در جامعه امروز است که با هیچ علم و دانشی قابل کنترل نیست و آنچه را که کارشناسان می‌گویند که می‌توان به وسیله آن غرائز را کنترل کرد همان دین و پابندی به مذهب است و بس.

ثامناً: استایوفسکی می‌گوید: اگر دین نباشد همه چیز مباح است یعنی غیر از خدا باوری و ایمان مذهبی هیچ عامل دیگری بازدارندگی از اعمال ضد اخلاقی، بیماری، بی‌عدالتی، تجاوز و فساد و تباهی و رام کردن نفس اماره و سرکش آدمی را ندارد.

تاسعاً: یکی از رنج‌های بشر در جهان صنعتی امروز احساس تنهایی است، انسان در این دنیا خود را در میان انبوه مردمانی می‌یابد که همواره در بند خودخواهی‌های خویشند و اما در نگرش دینی هیچگاه تنها نیستند.

عاشراً: دینداری، هدف آفرین است. یکی از کارایی‌های دین، هدف دادن و ایده آفرینی است. هدف ایده آل موجب شکل‌گیری نوع انتخاب آدمی می‌شود و چنین آرمانی تنها در منطقه دین یافت می‌شود. میلر بروز از قول دانشمند معروف، انیشتن می‌گوید: علم، ما را از آنچه هست آگاه می‌کند و دین است که ما را به آنچه باید باشد مطلع می‌نماید.

احدی عشر: دین علاوه بر آنچه گفته شد کارایی‌های دیگری هم دارد از قبیل: بهداشت و طول عمر و درمان‌های جسمی و پاسخگویی به غرائز فرامادی، کاهش اضطراب، کنترل ذهن، هویت بخشی به انسان، شجاعت آفرینی، بهداشت روح و...
که همه اینها دلیل لزوم توجه به دینداری و لزوم دین است. امیرمؤمنان (علیه السلام) فرمود: **الدین نور؛** دینداری نوری فرا راه بشر است.^۱

سؤال ۸۹

می‌گویند: آیا حجاب و عفت عقلی است؟

می‌گوییم:

اولاً: هم شرعی است و هم عقلانی.

ثانیاً: در اروپا هم بود ولی وقتی انقلاب صنعتی رخ داد برای تبلیغ کالا، بر حجابی رسم شد.

ثالثاً: هیچ عالم اسلامی نداریم که حجاب را واجب نداند.

رابعاً: حجاب مبنای فطری هم دارد. آدم و حوا که لخت بودند با برگ خود را پوشاندند.^۱

خامساً: بی‌حجابی به گونه‌ای اعلان جنگ با خدا و سوراخ کردن کشتی جامعه است.

سادساً: در غرب با حجاب برخورد می‌کنند با اینکه خلاف قانون است.

سؤال ۹۰ ❁❁

می‌گویند: دلایل رواج بی‌حجابی چیست؟

می‌گوییم:

اولاً: در خانواده‌هایی که الگوهای موجود را فراموش کرده و به الگوهای بیگانه افتخار می‌کنند دختر و پسرش بی‌هویت و مقلدی کور و کر خواهند شد که نیازمند است دستش گرفته شود تا آسیب بزرگتری به سراغش نیاید.

ثانیاً: رسول خدا ﷺ فرمود: **لیس منا تشبه بغيرنا:** کسی که خود را تشبیه به بیگانه‌ها می‌کند مسلمان نیست.^۱

ثالثاً: عده ای از زنان می‌خواهند با تقلید از بیگانگان چه غربی و چه شرقی برای خویش کسب شخصیت کنند و نمی‌دانند که شخصیت در اصالت خانوادگی است که در دنیای بیگانه کمتر وجود دارد.

رابعاً: بر طبق آمار هر ۲۰ دقیقه یکبار یک زن در سوئد کتک می‌خورد و مجروح می‌شود و هر سه ساعت به یک زن تجاوز می‌شود. سی و یک درصد کودکانی که در سه ماه اخیر سال گذشته میلادی در انگلیس متولد شده‌اند پدر مشخصی ندارند.^۲ شبکه سی ان ان اظهار می‌دارد پنجاه درصد کودکان در آمریکا را اطفال نامشروع تشکیل می‌دهند.^۳

خامساً: دنیای صنعتی فقط درآمد و فروش تولید خود را می‌شناسد و کاری به شخصیت افراد ندارد لذا زن را یا عامل فروش و یا عکس و تصویرش را زینت جنس خودش قرار می‌دهد.

۱- (نهج الفصاحه ص ۹۵)

۲- (کیهان ۷۷/۴/۴)

۳- (همان)

سادساً: افرادی بدنبال هوی و هوس و لذت شخصی هستند و غیر از اینها همه ارزشها را نادیده می گیرند و تمام تفکرشان همین است و بس.

سابعاً: خانم فاطمه امامی تبعه استرالیا و دکترای جامعه شناسی و علوم سیاسی می گوید: من به عنوان زنی که ۲۷ سال است و در غرب زندگی می کند می دانم در آنجا چه می گذرد، مردم از غرب، بهشتی را در تصور خود دارند ولی در ورای این بهشت، جهنمی نهفته است که تار و پود بشریت را به نابودی می کشاند، زن در غرب و در استرالیا مانند کالا می باشد و مانند مجسمه بی روحی است که از آن به عنوان کالای تبلیغاتی استفاده می کنند.^۱ حیف است که یک انسانی که خدا او را دارای شخصیت آفریده خود را بسازد و در معرض چشم های نا پاک ابوالهوسان بی ارزش قرار دهد.

ثامناً: عده ای دارای عقده حقارتند و سادیسم مردم آزاری دارند و با خودآرائی و دلبری از دیگران باعث دلبری آنان از خانواده ایشان می شوند و به قول ظریفی به یک همسر راضی ولی به یک هوادار قانع نیستند، آنان مانند کسانی اند که در پیشروی افراد گرسنه عطر و بوی غذای لذیذ می پراکنند و شب هنگام به خیال خودشان پیروز میدان، به خانه بر می گردند!

تاسعاً: آنها نمی دانند که ضربه هائی که بر زن غربی وارد شده کفاره سرپیچی او از حجاب و عفاف است که خداوند در همه ادیان بر زن واجب نموده است. کشور آلمان غربی که با بی عفتی دست و پنجه نرم می کردند یکی از وارد کنندگان عمده فاحشه محسوب می شدند.

اگر حریم عفت که در اصل جزو ذات زن است محفوظ بماند کسی را یارای حرمت شکنی در باره او نخواهد بود و آرامش در زندگی را بدنبال خواهد داشت.

حضرت علی علیه السلام فرمود: من غَضَّ طَرَقَهُ أَرَاخَ قَلْبَهُ؛ آن کس که دیده خود را از حرام فرو بست دلش را آرام ساخت.^۱

عاشراً: مدپرستی یا مدگرایی تهی شدن از خود و وابسته شدن به غیر است نه علمیتی و نه ملیتی و نه هم شخصیتی در آن مطرح نمی‌باشد، طرفدار مد خود به تنهایی پرچمی رنگارنگ از ملل یا اشخاص بیگانه است و از خود هیچ نشانه‌ای ندارد. مقلدان پیرو مدپرستی نمی‌دانند که خود طرفداران مد از این بی‌هویتی خسته شده و سرشان به دیوار بی‌شخصیتی خورده و سرشکسته در راه بازگشت از این مسیرند. مدپرستان عصر ما مایه مضحکه دیگرانند، لباس‌های کهنه و آلوده بیگانگان را می‌پوشند، شلوار پاره می‌پوشند و اگر پاره هم نباشد آن را بمانند سینه زلیخا چاک چاک می‌کنند، جایی از لباس که باید تنگ باشد گشاد، و جایی که باید گشاد باشد را تنگ کرده و خلاصه اصلاح موی سرش را به نحوی می‌کنند که مادر جوان مرده هم خنده‌اش می‌گیرد.

به قول روانشناسی که گفته بود اینها از باب عقده حقارت است و اینان گدای یک نگاهی از سوی مردمند. ظریفی می‌گفت برای جلب نظر مردم این همه زحمت لازم نیست یک ساعت در خیابان شلوغ شهر چهار دست و پا راه برو تا همه نگاهت کنند و عقده‌ات گشوده شود!

قال علی علیه السلام **صيانة المرأة انعم لجالها و ادوم لجمالها؛** پوشیدگی برای زن مفید تر و زیبایی او را پایدارتر می‌کند.^۲

در پایان باید معتقد بود که ما انسان‌ها صاحب داریم و صاحب‌مان راه و رسم استفاده از عالم را به توسط انبیاء الهی و کتب آسمانی به ما گفته است و اکنون

^۱ - (تفسیرالمیزان ج ۱۰ ص ۷۲)

^۲ - (غررالحکم)

هر آنچه از دستور العمل خالق جدا شده‌ایم گرفتار بی‌هویتی شده‌ایم و خودمان هم نمی‌دانیم به کجا می‌رویم. به قول قرآن «فِي كُلِّ وادٍ يَهِيمُونَ» در هر وادی سرگردانند، گاه از شرق تقلید و گاهی مانند طفل بی‌پدر به دنبال غرب روانیم.

ای دو صد لعنت براین تقلید باد خلق را تقلیدشان بر باد داد

وَآخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُم

۲۷ رجب المرجب ۱۴۴۲

پایان